



نظام تأمین اجتماعی کانادا (۲): بررسی لایه سوم نظام بازنشستگی و ارائه مباحث تکمیلی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار
۱۴۰۲/۱۰/۴



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۹۴۸۹
کد موضوعی: ۲۳۰

عنوان گزارش:
نظام تأمین اجتماعی کانادا (۲):
بررسی لایه سوم نظام بازنشستگی و ارائه مباحث تکمیلی

نام دفتر:
مطالعات بخش عمومی (گروه اقتصاد رفاه و تأمین اجتماعی)

تهیه و تدوین کننده:
فاطمه تیمورا

مدیر مطالعه:
محمدحسین مرادی

اظهار نظر کنندگان:
محمدحسین مرادی، محمد دبیبی، مهدی حسن زاده

ناظر علمی:
سیدعباس پرهیزکاری

گرافیک و صفحه آرایی:
مهدیه قمچیلی

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:
۱. تأمین اجتماعی
۲. نظام بازنشستگی
۳. کانادا

تاریخ شروع:
۱۴۰۱/۶/۱



فهرست مطالب

۷	چکیده
۸	خلاصه مدیریتی
۸	شرح مسئله
۸	یافته‌های کلیدی
۱۰	۱- مقدمه
۱۱	۲- مقام سرمایه‌گذار و جوه لایه دوم نظام تأمین اجتماعی کشور کانادا
۱۴	۳- لایه سوم برنامه بازنشستگی کانادا
۱۵	۳-۱- برنامه‌های مستمری تحت حمایت کارفرما
۱۵	۳-۱-۱- برنامه‌های بازنشستگی با مزایای معین
۱۷	۳-۱-۲- برنامه‌های بازنشستگی مشارکت معین
۱۹	۳-۱-۳- صندوق مستمری ثبت شده (RRIF)
۲۰	۳-۱-۴- برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده (RRSP)
۲۴	۳-۲- حساب پس‌انداز معاف از مالیات (TFSA)
۲۴	۳-۲-۱- سطح مشارکت در حساب‌های معاف از مالیات
۲۵	۳-۲-۲- مشارکت فراتر از سقف مجاز
۲۶	۳-۳- مقایسه برنامه‌های بازنشستگی ثبت شده با حساب‌های معاف از مالیات
۲۸	۴- نظام درمان کشور کانادا
۳۰	۵- نظام مالیاتی کشور کانادا
۳۰	۵-۱- انواع مالیات
۳۳	۵-۲- اهم اعتبارات مالیاتی
۳۴	۵-۳- مالیات حقوق و دستمزد
۳۵	۵-۴- منابع درآمدی و مجاری هزینه‌ای بودجه دولت
۳۹	۶- جمع بندی
۴۰	۷- پیوست - انتخاب کشورهای هدف
۴۶	۸- منابع و مأخذ

فهرست جداول

جدول ۱- سطوح برداشت از حساب‌های RRIF براساس رده‌های سنی مختلف.....	۲۰
جدول ۲- حدود مشارکت در RRSP-۱۹۹۱-۲۰۲۲.....	۲۱
جدول ۳- ویژگی‌های اساسی برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده.....	۲۴
جدول ۴- حد مشارکت و فضای انباشته در حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات (۲۰۰۹-۲۰۲۱).....	۲۵
جدول ۵- ویژگی‌های اساسی حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات.....	۲۶
جدول ۶- مقایسه دو حساب پس‌انداز معاف از مالیات و برنامه بازنشستگی ثبت شده.....	۲۷
جدول ۷- نرخ تصاعدی و پلکانی مالیات بر درآمد فدرال.....	۳۱
جدول ۸- نحوه محاسبه‌ی مالیات بر درآمد فدرال.....	۳۲
جدول ۹- مثال محاسبه‌ی میزان مالیات بر درآمد فدرال فردی نوعی با درآمد مشمول مالیات ۵۰۰۰۰.....	۳۲
جدول ۱۱- نرخ‌های مشارکت در CPP و EI-۲۰۲۲.....	۳۵

فهرست نمودارها

نمودار ۱- دارایی‌های خالص CPP و پرتفوی نهایی سرمایه‌گذاری در سه سال ۱۹۹۹، ۲۰۰۶ و ۲۰۲۰.....	۱۲
نمودار ۲- روند منابع و هزینه‌های CPP (۱۹۹۵-۲۰۳۰).....	۱۳
نمودار ۳- خلاصه گزارش مالی CPPIB-۲۰۲۰.....	۱۳
نمودار ۴- نرخ بازدهی خالص CPPIB-۲۰۲۰.....	۱۴
نمودار ۵- منابع مورد استفاده برای دوران بازنشستگی براساس نظرسنجی بازنشستگی CIBC.....	۲۸
نمودار ۶- تفکیک مخارج بودجه تلفیقی براساس عملکرد (۲۰۰۸-۲۰۱۹).....	۳۶
نمودار ۷- تفکیک بودجه دولت فدرال براساس عملکرد-۲۰۱۹.....	۳۷
نمودار ۸- تفکیک منابع درآمدی دولت ۲۰۱۹.....	۳۸



نظام تأمین اجتماعی کانادا (۲): بررسی لایه سوم نظام بازنشستگی و ارائه مباحث تکمیلی

چکیده



تشدید چالش‌های جاری نظام تأمین اجتماعی کشور سبب اهمیت بیش از پیش مطالعه نسخ برون رفت از بحران‌های این حوزه و ترسیم بسته‌های سیاستی بهینه شده است. مطالعه تجارب سایر کشورها در رویارویی با معضلات مشابه این حوزه می‌تواند ضمن عدم تضييع بزنگاه‌های کشور برای اتخاذ سیاست‌های بهینه، در هزینه‌های ناشی از سعی و خطا سیاست‌های مختلف صرفه‌جویی کند. هر چند که نتایج حاصله باید با در نظر گرفتن اصل بومی‌سازی بازبینی شود. در گزارش اول از سلسله گزارش‌های هفت‌گانه بررسی تجارب کشورها در نظام تأمین اجتماعی نشان داده شد، چهار کشور کانادا، استرالیا، هلند و نروژ در میان ۳۷ کشور عضو همکاری و توسعه اقتصادی ضمن برخورداری از شباهت قابل ملاحظه در زمینه پتانسیل‌های اولیه با کشور ایران، عملکرد مطلوبی در حوزه مدیریت نظام تأمین اجتماعی از خود به نمایش گذاشته‌اند. در گزارش پیشین به بررسی ویژگی‌های نظام تأمین اجتماعی کشور کانادا - به‌عنوان اولین کشور منتخب - از نظر نوع طبقه‌بندی آن، مفاهیم مرتبط با نظام چند لایه در مقام عام و نظام سه لایه در مقام خاص، جزییات مربوط به لایه اول و دوم نظام تأمین اجتماعی سه لایه کشور کانادا پرداختیم. در گزارش اخیر ضمن تکمیل توضیحات لایه دوم با بیان هسته اصلی نوآورانه‌ی نظام تأمین اجتماعی کشور کانادا یا همان توجه به مکانیزم سرمایه‌گذاری و جوه لایه دوم و پایهریزی «هیئت سرمایه‌گذاری برنامه بازنشستگی کانادا»، به بیان طرح‌ها و برنامه‌های موجود در لایه سوم نظام تأمین اجتماعی این کشور و گستردگی و تنوع آن در کنار سایر نکات تکمیلی خواهیم پرداخت.

بیان / شرح مسئله

بروز مشکلات عدیده در نظام تأمین اجتماعی کشور به‌عنوان حوزه‌ای چند بخشی که آثار اقتصادی و اجتماعی مستقیمی بر هر دو گروه شاغل و بازنشسته و سایر آحاد جامعه دارد، سبب تکاپوی سیاستگذاران برای تعدیل و اصلاح آن شده است. در این بین با لحاظ نکته‌سنجی‌های لازم برای انتخاب کشورهای مطلوب و لحاظ اصل بومی‌سازی نتایج حاصله، بررسی تجارب سایر کشورها و ترسیم راهکاری با حداقل خطا در برهه حاضر برای کشور حیاتی به‌نظر می‌رسد. همان‌طور که در گزارش اول مربوط به این سلسله گزارش‌ها اشاره شد، کشور کانادا معیارهای لازم به‌عنوان کشور هدف را داراست. از این‌رو در گزارش پیشین و گزارش اخیر به ترسیم نظام تأمین اجتماعی این کشور مبادرت ورزیدیم.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

در کشور کانادا با بروز اصلاحات در نظام تأمین اجتماعی شاهد توجه به اصل بهینه‌یابی در مکانیزم سرمایه‌گذاری وجوه مشارکتی در برنامه بازنشستگی کانادا (CPP)، افزایش نرخ‌های مشارکت، افزایش سقف مشارکت، گسترش و متنوع‌سازی لایه سوم هستیم. گزارش اکچوئری سال ۱۹۹۵ مرکز اکچوئری کانادا با اعلام آنکه روند فعلی و عدم وقوع اصلاحات در برنامه بازنشستگی کانادا منجر به اتمام همه منابع مالی صندوق می‌شود، تلنگر محکمی به تمام سیاست‌گذاران این کشور بود. از همان دوره مجموعه اصلاحات جهت افزایش نرخ مشارکت و کاهش مزايا که از اواسط دهه ۱۹۹۰ شروع شده بود، رنگ و بوی جدی‌تری به‌خود گرفت و اقدام مهمی جهت تشکیل هیئت سرمایه‌گذاری برنامه بازنشستگی کانادا (CPPIB) به‌عنوان یک سازمان حرفه‌ای مستقل با وظیفه خطیر سرمایه‌گذاری دارایی‌های برنامه بازنشستگی کانادا، رقم خورد [۱]. این هیئت در ابتدای امر، ۱۲ میلیون دلار از دولت دریافت کرد و به‌موجب قوانین و مقررات فعالیت آن به سرمایه‌گذاری انفعالی در سهام‌های داخلی محدود شد، اما دیری نپایید که دولت این محدودیت را لغو کرده و امکان سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، املاک و مستغلات، زیرساخت و دنیای خارج برای این هیئت میسر شد. از مهم‌ترین خصیصه این سازمان می‌توان به استقلال، نظارت شدید حاکم بر آن، شفافیت عملکرد و گزارش‌دهی منظم عمومی اشاره کرد.

از سوی دیگر این کشور، با متنوع‌سازی طرح‌های حمایتی و بیمه‌ای در هریک از لایه‌ها ذیل نظام سه‌لایه تأمین اجتماعی خود، سعی در تحت پوشش قرار دادن قشر وسیعی از افراد جامعه کرده است. بررسی لایه سوم این نظام که عمدتاً ناظر بر طرح‌های بازنشستگی شغلی و برنامه‌های پس‌انداز خصوصی است، نشان می‌دهد استفاده از مزیت‌های مالیاتی، متنوع‌سازی گزینه‌های پیش‌روی فرد و توجه به سطوح درآمدی افراد برای ترسیم طرح‌های جذاب برای ترغیب آحاد جامعه به مشارکت در این لایه در درجه اول و یا افزایش سطح مشارکت مثرتر بوده است. در لایه سوم این سیستم شاهد طرح‌های متنوعی همچون برنامه‌های ثبت‌شده مستمری^۲ (RPPs) با یک کارفرما، اتحادیه و یا سایر حامیان مالی، برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده انفرادی یا گروهی^۳ (RRSPs) و حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات^۴ TFSA (از سال ۲۰۰۹) هستیم که هریک با اصول تبیینی مشخص، ارائه معافیت مالیاتی و یا امکان به تعویق انداختن پرداخت مالیات مورد اقبال قرار گرفته‌اند. براساس نظرسنجی صورت‌گرفته از شهروندان کانادایی در سال ۲۰۱۹، عواید مربوط به CPP، OAS، RRSP و TFSA چهار منبع اصلی با بیشترین موارد استفاده برای تأمین هزینه‌های دوران بازنشستگی افراد می‌باشد.

1. Canada Pension Plan Investment Board.
2. Registered Savings Plans.
3. Registered Retirement Saving Plan.
4. Tax-free Saving Account.

همچنین، نظام درمان کانادا که توانسته است از نظر عملکرد در مقام چهاردهم دنیا قرار گیرد، براساس اصل اساسی «دسترسی به خدمات درمان براساس نیاز و نه توانایی پرداخت افراد»، از طریق دولت‌های منطقه‌ای و ایالتی و از محل بودجه عمومی تأمین مالی می‌شود. از نظر میزان هزینه سرانه در بخش سلامت و میان کشورهای OECD، کشور کانادا رتبه یازدهم را از آن خود کرد (۲۰۱۷). همچنین، هزینه‌های مربوط به درمان در سال ۲۰۱۷، ۱۲٪ از GDP کشور را به خود اختصاص داده‌اند که بنابر تخمین‌های دولت کانادا این رقم در سال ۲۰۳۱ به ۱۸٪ که رقم بالایی است، نیز خواهد رسید.^۱

بنابر گزارش مالی دولت کانادا در سال ۲۰۱۹ حدود ۶۱٪ کل هزینه‌های بودجه تلفیقی شامل بودجه فدرال، استانی، منطقه‌ای و محلی - که رقم کل ۷۹۸٫۵ میلیارد دلار کانادا می‌باشد - به مخارج حمایت‌های اجتماعی، درمان و آموزش و پرورش اختصاص یافته است که به ترتیب هزینه‌های مربوط به آموزش (۷/۳ درصد)، هزینه‌های مربوط به حمایت اجتماعی (۳/۴ درصد) و هزینه‌های مرتبط با درمان (۲/۹ درصد) در سال ۲۰۱۹ رشد کرده‌اند. از سوی دیگر، با رشد ۳/۴ درصدی در سال ۲۰۱۹ میزان هزینه‌های مربوط به حمایت اجتماعی به ۱۹۰/۶ میلیارد دلار کانادا رسید که این مقدار تقریباً یک‌چهارم (۲۳/۹٪) کل مخارج دولت را از آن خود کرده است. شایان ذکر است بودجه اختصاص یافته به حمایت اجتماعی صرف برنامه‌های متنوع حمایتی از جمله برنامه‌های حمایتی سالمندان، مزایای مربوط به خانوار، پرداختی‌های مرتبط با از کارافتادگان و مزایای بیکاری می‌شود. همچنین افزایش ۳/۴٪ حادث شده در مخارج این بخش محصول رشد طرح‌های حمایتی سالمندان (افزایش ۴/۹ میلیارد دلاری) و مزایای خانوار و فرزندان (۳/۱ میلیارد دلاری) است. در نهایت، هزینه‌های درمان نیز با رشد ۲/۹ درصدی خود به ۱۸۶/۵ میلیارد دلار افزایش یافته و ۲۳/۴٪ از کل مخارج دولت را به خود اختصاص یافته است. با توجه به جمعیت کانادا، این میزان بیانگر ۴۹۱۰ دلار کانادا برای هر شهروند کانادایی است. در سطح هر ایالت نیز، بخش عمده هزینه‌های مربوط به بودجه دولت به هزینه‌های درمان اختصاص دارد.

در سال مشابه ۲۰۱۹، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مالیات کالا و خدمات، سایر مالیات‌ها (شامل حامل‌های انرژی و...)، مالیات بر افراد غیرمقیم، بیمه اشتغال، سایر درآمدها به ترتیب ۴۹/۳، ۱۵/۲، ۱۱/۵، ۵/۷، ۲/۸، ۶/۷ و ۸/۸ درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که مشخص است فقط مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی حدود ۵۰٪ منابع دولت را به خود اختصاص داده و بیشترین سهم از بودجه دولت از منظر منابع می‌باشد.

توجه به مسئله سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد بسترهای لازم، حذف قیود و محدودیت‌های دست‌وپاگیر، ایجاد سنج‌ها و معیارهای شفافیت همچون گزارش‌دهی مشخص عمومی، گسترش لایه سوم نظام تأمین اجتماعی با استفاده از مزیت‌های مالیاتی، توجه به سلايق گروه‌های مختلف درآمدی، ایجاد گزینه‌های متنوع برای جذب جامعه و پایدارسازی جریان درآمدی دولت با احیا جایگاه مالیات به‌ویژه مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی می‌تواند از مهم‌ترین آموزه‌های اجرایی سیستم تأمین اجتماعی کانادا باشد.



۱. مقدمه

در گزارش اول بررسی نظام تأمین اجتماعی کانادا بیان شد، تعدیل و بهبود چالش‌هایی که امروزه نظام تأمین اجتماعی کشور با آن مواجه است به‌طور قطع در تجارب سایر کشورها مصداق‌هایی دارد و در این بین نسخه برون‌رفت از بحران کشورهای دیگر می‌تواند ضمن صرفه‌جویی در زمان و هزینه کشور، راهنمای مناسبی برای مشی‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های لازم باشد. از این‌رو انتخاب کشورهای مطلوب و هدف با بیشترین میزان انطباق با خصیصه‌های کشور می‌تواند نتایج حاصل از پژوهش را عملیاتی و قابل‌اتکاتر کند. با عنایت به این نکته و رتبه‌بندی کشورهای OECD طی دو مرحله براساس «متغیرهای مقایسه‌ای» و «متغیرهای هدف» که جزئیات مبسوط آن در گزارش اول^۱ و در پیوست ۱ گزارش اخیر نیز اشاره شده است، به چهار کشور کانادا، هلند، استرالیا و نروژ دست یافتیم که ضمن ارائه عملکرد قابل‌قبول در حوزه تأمین اجتماعی بیشترین میزان انطباق با پتانسیل‌های کشورهای کشور را دارا هستند.

مطالعات اخیر مبین آن است که نظام بازنشستگی و تأمین اجتماعی عمده کشورها به‌واسطه کاهش نرخ باروری و مرگ‌ومیر و در نتیجه کهن‌سالی جمعیت با چالش‌هایی همراه است. مسئله کهن‌سالی جمعیت در کنار بحران‌های اقتصادی و شوک‌های مالی سبب ایجاد حرکت‌هایی یکپارچه جهت کاهش سخاوت‌مندی نظام، تأکید و تمرکز بر طرح‌های پس‌انداز شخصی با اهداف تأمین مالی هزینه‌های زندگی در دوران بازنشستگی و توجه به سرمایه‌گذاری شده است [۲]. در کشور کانادا نیز با بروز اصلاحات در نظام تأمین اجتماعی شاهد توجه به اصل بهینه‌یابی در مکانیزم سرمایه‌گذاری و جوه مشارکتی در برنامه بازنشستگی کانادا (CPP)، افزایش نرخ‌های مشارکت، افزایش سقف مشارکت، گسترش و متنوع‌سازی لایه سوم^۲ هستیم [۱].

در گزارش پیشین به بررسی ویژگی‌های نظام تأمین اجتماعی کشور کانادا - به‌عنوان اولین کشور منتخب - از نظر نوع طبقه‌بندی آن، مفاهیم مرتبط با نظام چند لایه در مقام عام و نظام سه لایه در مقام خاص، جزئیات مربوط به لایه اول و دوم نظام تأمین اجتماعی سه لایه کشور کانادا پرداختیم. در گزارش حاضر ضمن تکمیل توضیحات لایه دوم با بیان هسته اصلی نوآورانه نظام تأمین اجتماعی کشور کانادا یا همان توجه به مکانیزم سرمایه‌گذاری و جوه لایه دوم و پایه‌ریزی «هیئت سرمایه‌گذاری برنامه بازنشستگی کانادا»، به بیان طرح‌ها و برنامه‌های موجود در لایه سوم نظام تأمین اجتماعی این کشور و گستردگی و تنوع آن خواهیم پرداخت، سپس توضیحات اجمالی در رابطه با نظام درمانی کشور کانادا که از محل بودجه عمومی تأمین شده و به‌طور همگانی ارائه می‌شود، را از نظر می‌گذرانیم. در نهایت به منظور دست‌یابی به تصویری روشن از چرخه درآمدی و هزینه‌ای دولت برای بررسی چگونگی تأمین مالی طرح‌های رفاهی، به مکانیزم مالیاتی و اعتبارات مربوط به آن خواهیم پرداخت.

۱. گزارش «نظام تأمین اجتماعی کانادا؛ بررسی لایه‌های اول و دوم نظام بازنشستگی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. برای جزئیات بیشتر در حوزه مفاهیم پایه‌ای «نظام‌های تأمین اجتماعی چندلایه»، ر.ک. به گزارش «ساختار نظام چندلایه تأمین اجتماعی و نظام فراگیر بیمه مطالعه موردی استرالیا، هلند و کانادا»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲. مقام سرمایه گذار و جوه لایه دوم نظام تأمین اجتماعی کشور کانادا

همان طور که پیش تر اشاره شد، نظام تأمین اجتماعی کانادا از سه لایه برخوردار است. در لایه اول طرح های OAS و GIS برای تأمین حداقل استانداردهای زندگی به افراد بازنشسته ارائه می شود و در لایه دوم صندوق بازنشستگی کانادا در کنار سایر صندوق های لایه دوم شامل (طرح بازنشستگی معلمان اونتاریو (OTPP)^۱، طرح درمانی بازنشستگی اونتاریو (HOOPP)^۲، طرح بازنشستگی اتحادیه کارگران خدمات عمومی اونتاریو (OPTrust)^۳) سعی در تأمین جریان درآمدی متناسب با مشارکت های فرد به منظور افزایش نرخ جایگزینی می کنند. گزارش سال ۱۹۹۵ مرکز اکچوئری کانادا نشان می داد که در صورت عدم انجام اصلاحات، برنامه بازنشستگی کانادا (CPP) ظرف بیست سال آینده فاقد هرگونه منابع مالی خواهد بود. انجام اصلاحاتی همچون افزایش نرخ های حق بیمه و کاهش مزایا در اواسط دهه ۱۹۹۰، این برنامه را تا حدودی در مسیر پایداری قرار داد [۴]. اتفاق بسیار مهمی که این اصلاحات منتج به آن شد تشکیل هیئت سرمایه گذاری برنامه بازنشستگی کانادا (CPPIB)^۴ به عنوان یک سازمان حرفه ای مستقل با وظیفه خطیر سرمایه گذاری دارایی های برنامه بازنشستگی کانادا بود [۱]. این سازمان که براساس قانون تأسیس هیئت سرمایه گذاری برنامه بازنشستگی کانادا^۵ تشکیل شد، از خصوصیات زیر برخوردار است:

■ تقسیم وظیفه نظارتی مشترک بین دولت فدرال و دولت های استانی کانادا.

■ رؤسای هیئت توسط فرماندار کل کانادا و به پیشنهاد وزیر مالیه فدرال منصوب می شوند. قانون به وزیر اجازه می دهد که یک کمیته معرفی برای مشورت دادن در مورد انتصابات این هیئت تشکیل دهد. در این فرایند، مشورت با وزرای مالیه استانی، با توجه به نقش استان ها به عنوان مباشران برنامه بازنشستگی کانادا، نیز دیده شده است. تنها فرماندار کل کانادا حق عزل مدیران را آن هم با دلایل مشخص دارد.

■ تعهد به حداکثر کردن بازدهی های بلندمدت و تعدیل شده با ریسک دارایی های برنامه بازنشستگی کانادا.

■ سنجه های پاسخ گویی و شفافیت از جمله گزارش دهی منظم عمومی.

با تأسیس این نهاد، سرمایه گذاری دارایی های برنامه بازنشستگی کانادا، متعلق به ۲۰ میلیون کانادایی، به آن واگذار شد. این دارایی ها در چهار حوزه، با هدف دستیابی به حداکثر نرخ بازده و بدون تحمل ریسک بیش از حد، سرمایه گذاری می شوند. چارچوب مدیریت ریسک در CPPIB متناسب با مزایای بلندمدت قابل حصول، تعیین می شود. اولین تزریق بودجه به CPPIB در سال ۱۹۹۹ با یک چک ۱۲ میلیون دلاری انجام شد. در ابتدا، قوانین و مقررات این هیئت را به سرمایه گذاری انفعالی در سهام های داخلی محدود می کرد؛ اما مدت کوتاهی پس از آغاز فعالیت این سازمان دولت این محدودیت را لغو کرد [۵].

CPPIB اولین سرمایه گذاری در بازار خصوصی را در سال ۲۰۰۱ و نخستین تعهدات خود در زمینه املاک و مستغلات و زیرساخت ها را در سال ۲۰۰۳ انجام داد. این هیئت امروزه ۳۱۷ میلیارد دلار را مدیریت می کند، حدود ۱۴۰۰ متخصص در هشت دفتر در سراسر جهان برای آن کار می کنند و از برنامه سرمایه گذاری بسیار متنوعی شامل سهام عمومی، درآمد ثابت، املاک مستغلات، زیرساخت ها، سهام خصوصی و سرمایه گذاری های اعتباری برخوردار است؛ لذا بخش عمده ای از ادبیات مربوط به صندوق های بازنشستگی کانادا به دو صندوق شناخته شده تر و بزرگ تر، یعنی طرح بازنشستگی معلمان اونتاریو (OTPP)^۶ و همین CPPIB باز می گردد، اما نهادهای

1. Ontario Teacher Pension Plan.

2. Healthcare of Ontario Pension Plan

3. OPSEU Pension Trust, Ontario Public Service Employees Union (OPSEU)

4. Canada Pension Plan Investment Board

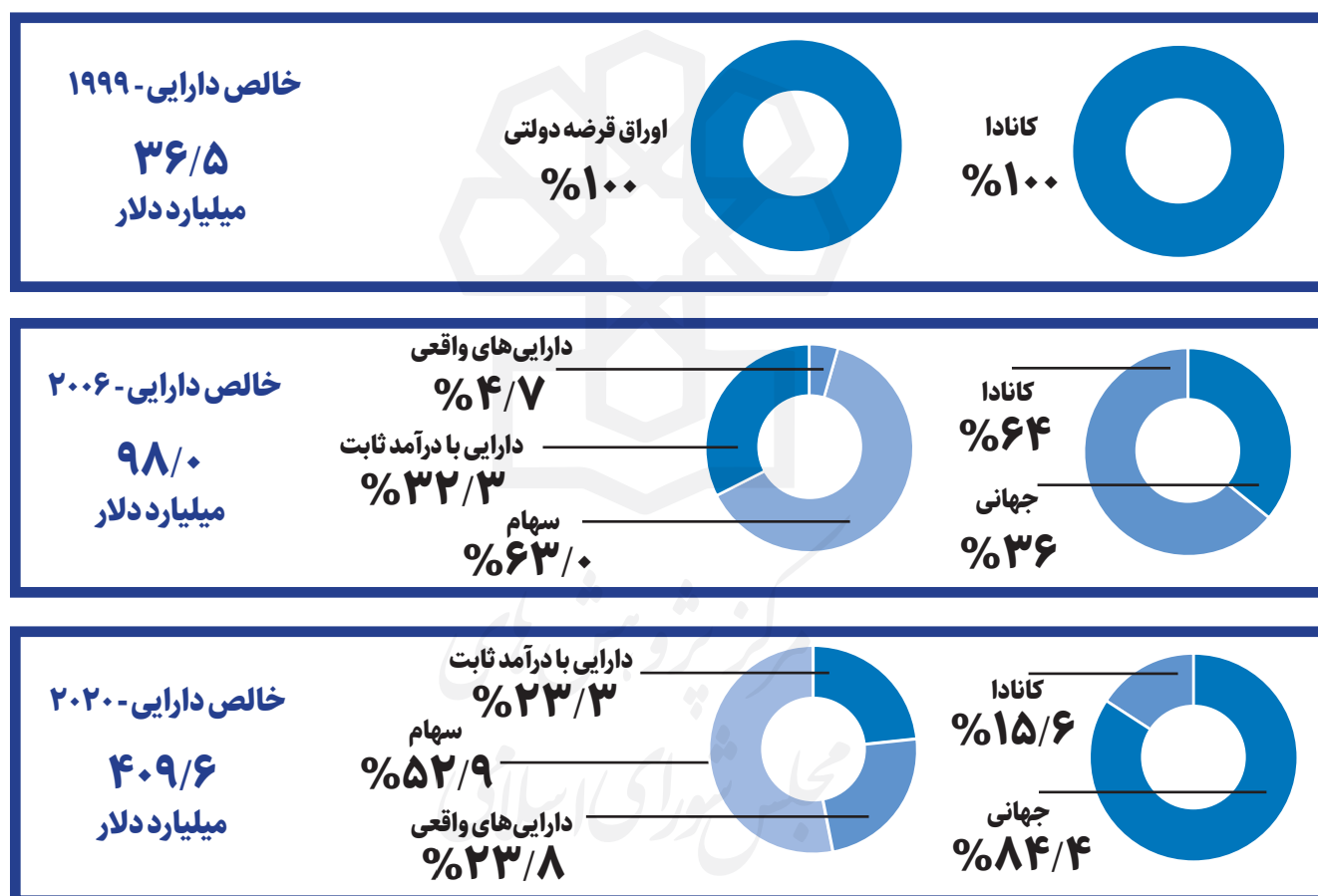
5. Canada Pension Plan Investment Board Act, S.C. 1997, c. 40

6. Ontario Teacher Pension Plan

کمت‌ر شناخته شده از جمله طرح درمانی بازنشستگی اونتاریو^۲ (HOOPP) و OPTrust^۳، مجری طرح بازنشستگی اتحادیه کارگران خدمات عمومی اونتاریو، نیز وجود دارند که بازیگرانی اثرگذار در عملکرد مطلوب سازمان‌های بازنشستگی کانادا به‌شمار می‌روند [۷]. درحقیقت، حضور چنین نهادهایی پیش و پس از تشکیل CPPIB، هم مدل بازنشستگی کانادا را تکامل یافته‌تر کرده و هم موجب رقابتی‌تر شدن فعالیت‌های سرمایه‌گذاری توسط آنها شده است. در ادامه نمودارهای مربوط به عملکرد و بازدهی، اقلام موجود در سبد دارایی، سهم منابع و مخارج و مبالغ تحت مدیریت هیئت سرمایه‌گذاری کانادا برای سال ۲۰۲۰، قابل مشاهده است [۲]. نحوه عملکرد در برنامه بازنشستگی به‌طور خلاصه به این شرح است؛

کارگران و کارفرمایان‌شان ماهیانه با نرخ‌هایی مشخص به‌صورت توأمان در برنامه بازنشستگی کانادا مشارکت می‌کنند؛ مشارکت‌های صورت گرفته در وهله‌ی اول صرف پرداخت مزایای CPP می‌شود و هیئت سرمایه‌گذاری کانادا از وجوه باقی‌مانده برای سرمایه‌گذاری و ایجاد یک پرتفوی متنوع جهانی استفاده می‌کند. پرتفو با عنایت به دو اصل حداکثر بازدهی و ریسک منطقی برای کمک به ثبات برنامه بازنشستگی کانادا مدیریت می‌شوند [۷]. در نمودار ۱ خالص دارایی CPP و نحوی چینش سبد سرمایه‌گذاری قابل مشاهده است [۳].

نمودار ۱. دارایی‌های خالص CPP و پرتفوی نهایی سرمایه‌گذاری در سه سال ۱۹۹۹، ۲۰۰۶ و ۲۰۲۰

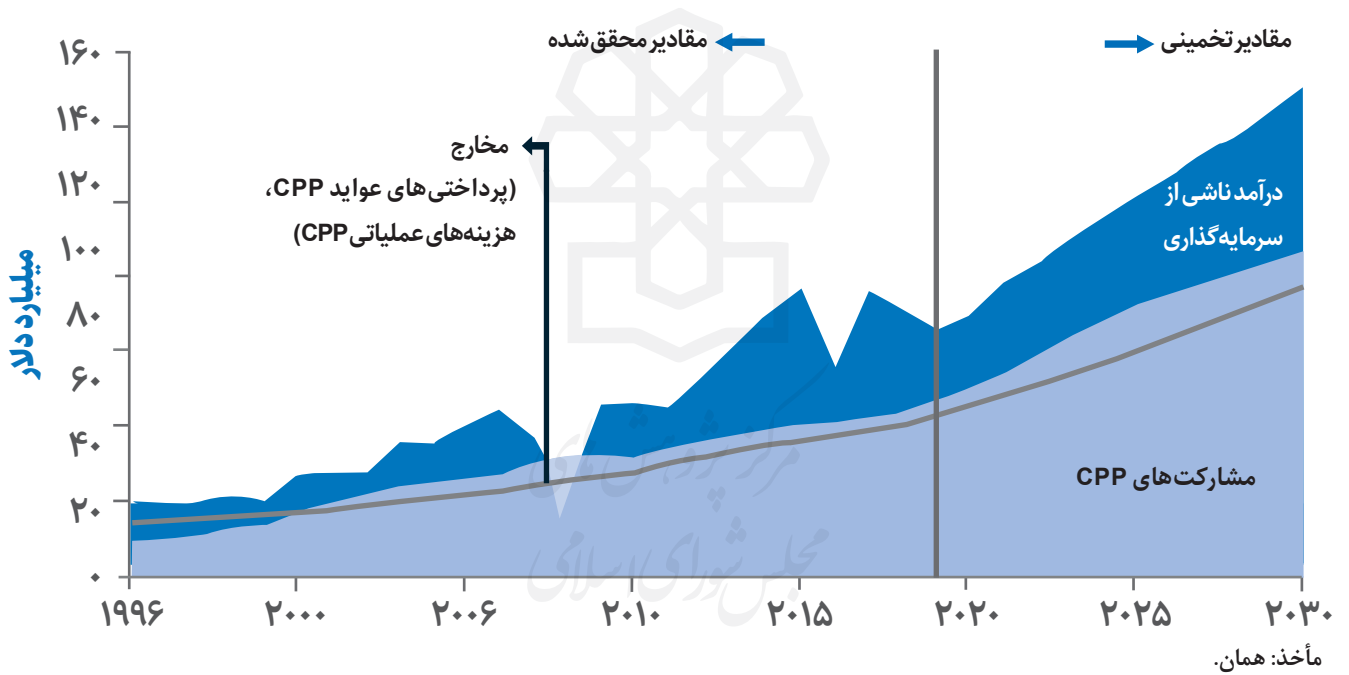


مأخذ: سالنامه آماری صندوق سرمایه‌گذاری کانادا، ۲۰۲۱.

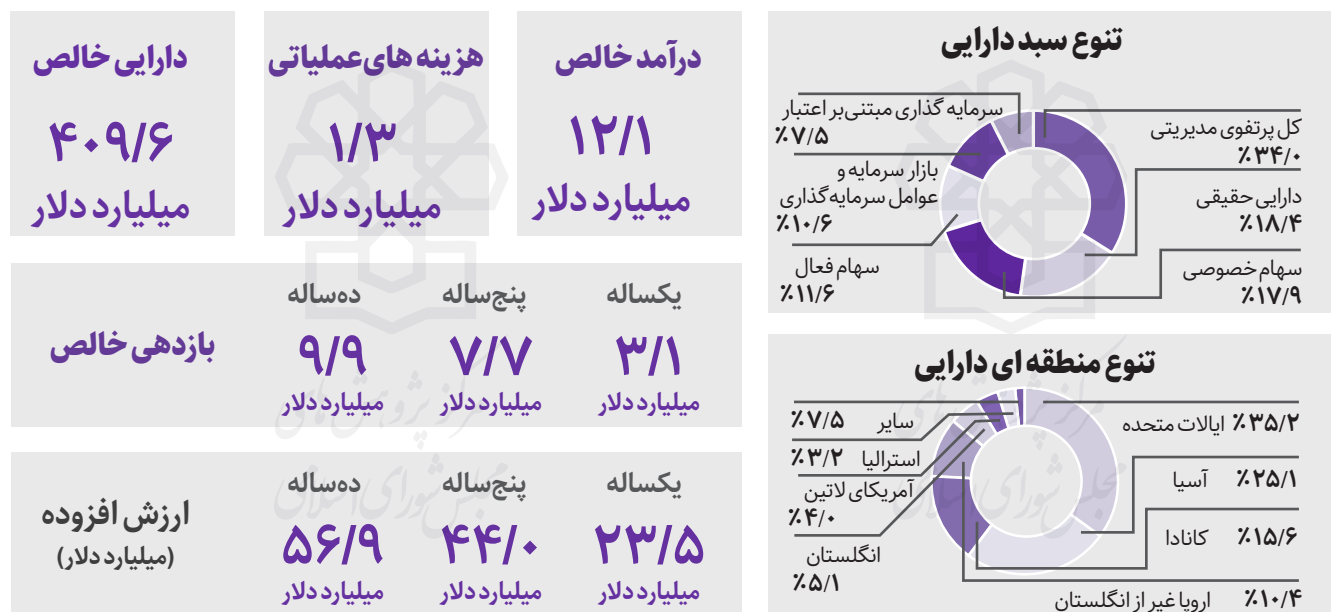
2. Healthcare of Ontario Pension Plan
3. OPSEU Pension Trust, Ontario Public Service Employees Union (OPSEU)

همان طور که در نمودار ۱ مشخص است، نحوه سرمایه گذاری در CPP در سال ۱۹۹۹ کاملاً داخلی و تنها بر روی اوراق قرضه کانادا صورت پذیرفته است؛ در حالی که رفته رفته سبد دارایی در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۲۰ از نظر پراکندگی جغرافیایی و نوع دارایی متنوع شده است.

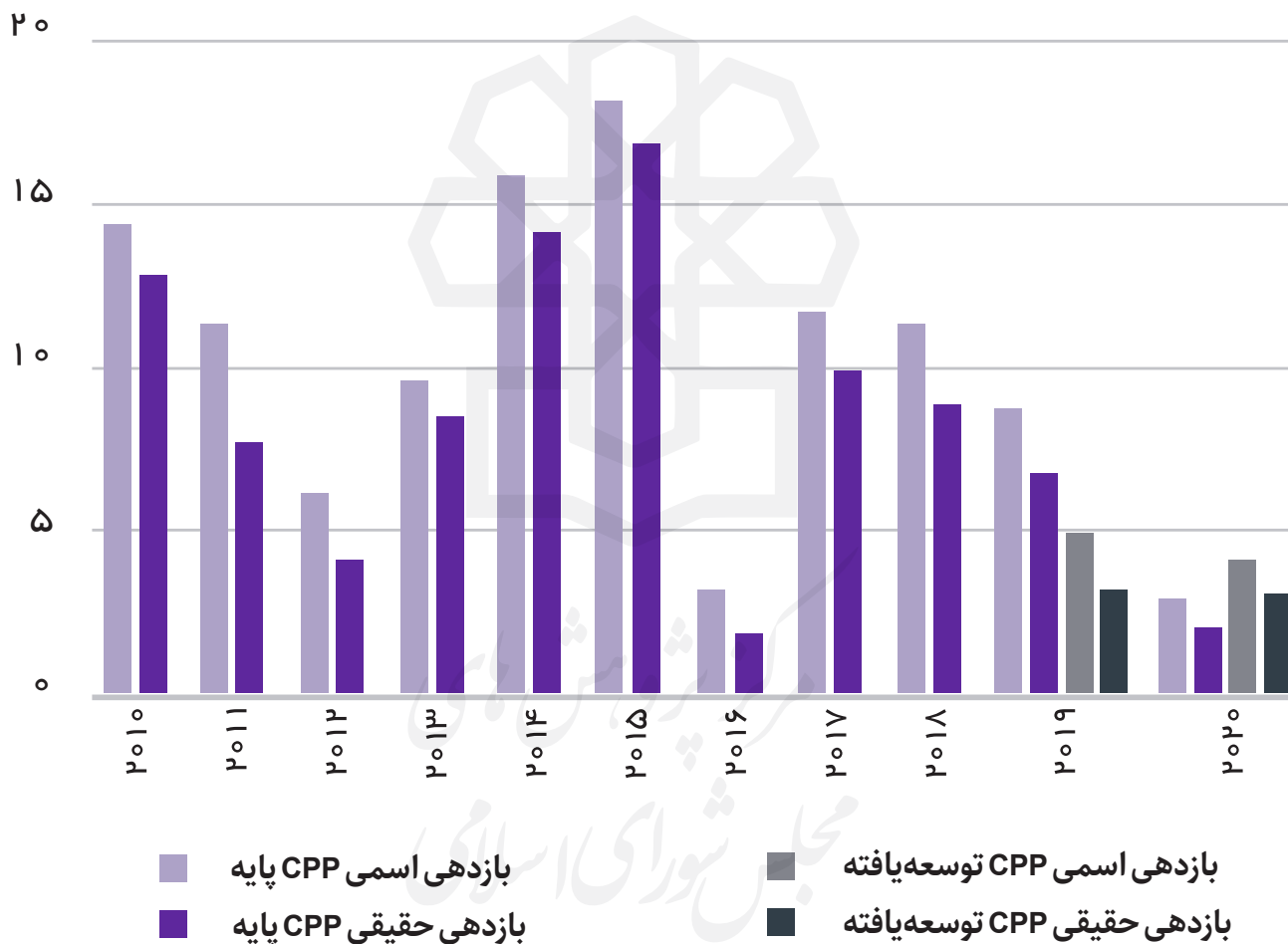
نمودار ۲. روند منابع و هزینه های CPP (۱۹۹۵-۲۰۳۰)



نمودار ۳. خلاصه گزارش مالی CPPIB - ۲۰۲۰



نمودار ۴. نرخ بازدهی خالص CPPIB - ۲۰۲۰



مأخذ: همان.

۳. لایه سوم برنامه بازنشستگی کانادا

لایه سوم از برنامه بازنشستگی کانادا به‌طور کلی از مستمری بازنشستگی شغلی و برنامه‌های پس‌انداز خصوصی تشکیل شده است که امکان بهره‌مندی از دریافتی‌های اضافی را برای بازنشستگان فراهم می‌کند. طرح‌های موجود در این لایه به‌طور کلی قابل تقسیم به دو دسته زیر است؛

۱. برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده انفرادی یا گروهی (RRSPs) با یک کارفرما، اتحادیه و یا سایر حامیان مالی.
۲. حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات^۲ TFSA (از سال ۲۰۰۹).

همان‌طور که تاکنون مشخص شده است؛ ماهیت لایه سوم برنامه بازنشستگی کانادا به‌صورت داوطلبانه یا براساس خدماتی است که کارفرما ارائه می‌دهد و یا به‌صورت پس‌انداز شخصی همراه با صرفه‌های مالیاتی می‌باشد؛ به همین سبب عمدتاً توضیحات حول محور

1. Registered Retirement Saving Plan.
2. Tax-free Saving Account.

جزئیات این لایه در گام اول به امکان دسترسی فرد به بازار کار و ارائه خدمات توسط کارفرمای مذکور برگشته و سپس در حالتی که امکان دسترسی برای فرد محقق نباشد، پس اندازها و حساب‌های شخصی نقش پررنگی ایفا می‌کنند [۱۰]. بنابر تقسیم‌بندی دولت کانادا، طرح‌های تحت حمایت کارفرما^۱ انواع مختلفی دارند که در ادامه به بررسی آنها پرداخته و سپس توضیحات مربوط به این لایه را با ویژگی طرح‌های بازنشستگی ثبت‌شده و حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات تکمیل می‌کنیم.

۳-۱. برنامه‌های مستمری تحت حمایت کارفرما

برنامه‌های مستمری تحت حمایت کارفرما، عمدتاً برنامه‌های ثبت‌شده‌ای هستند که بخشی از منبع درآمد فرد طی دوران بازنشستگی را تأمین می‌نمایند. براساس این برنامه‌ها، شخص کارفرما و کارگر (یا تنها کارفرما) به‌طور منظم مبلغی را در طرح مذکور مشارکت می‌نمایند. در نتیجه فرد می‌تواند با دریافت عایدی ناشی از طرح مذکور، بخشی از هزینه‌های دوران بازنشستگی خود را پوشش دهد. چنانچه در طول دوران اشتغال، فرد کار خود را تغییر دهد، ممکن است دو یا چند مستمری از کارفرمایان مختلف داشته باشد. از سوی دیگر امکان تغییر مستمری از برنامه قدیم به برنامه جدید نیز وجود دارد. در این خصوص خدمات مشاوره‌ای با یک برنامه‌ریز مالی^۲، یک نماینده در مؤسسه مالی و یا نماینده منابع انسانی برای فرد در نظر گرفته شده است تا از انتخاب‌هایی که می‌تواند داشته باشد مطلع شود [۱]. به‌طور کلی برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده (RRSP) حسابی برای نگهداری وجوه پس‌انداز و حفظ ارزش سرمایه‌گذاری است. هدف ابتدایی این حساب‌های دارای مزیت مالیاتی^۳، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای دوران بازنشستگی است. برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده، به افراد محروم از طرح‌های بازنشستگی شغلی اختیاری^۴ یا آنهایی که برای رسیدن به میزان پس‌انداز مورد نیاز علاوه بر حقوق بازنشستگی به وجوه دیگری احتیاج دارند، کمک می‌کند تا پس‌اندازی برای پوشش بخشی از هزینه‌های دوران بازنشستگی انجام دهند. (در بخش برنامه‌های بازنشستگی ثبت‌شده با شرح بیشتری به مزیت‌های مالیاتی این برنامه اشاره خواهد شد).
عمدتاً می‌توان موارد زیر را به‌عنوان طرح‌های مستمری تحت حمایت کارفرما برشمرد:

۱- برنامه‌های بازنشستگی مزایای معین.^۵

۲- برنامه‌های بازنشستگی مشارکت معین.^۶

۳-۱-۱. برنامه‌های بازنشستگی با مزایای معین

در برنامه‌های بازنشستگی با مزایای معین، کارفرما متعهد می‌شود تا پس از بازنشستگی مبلغ منظمی را به فرد پرداخت کند و عمدتاً هم فرد و هم کارفرما در طرح مشارکت دارند. مشارکت جمع شده در صندوق توسط کارفرما یا مدیر برنامه بازنشستگی^۷، سرمایه‌گذاری و مدیریت می‌شود و تصمیمات سرمایه‌گذاری از عهده فرد خارج است. همچنین طبق این برنامه میزان دریافتی فرد در زمان بازنشستگی براساس حقوق و سال‌های مشارکت او در برنامه محاسبه می‌شود. نکته حائز اهمیت آن است که این مبلغ تعیین شده و به عملکرد سرمایه‌گذاری وابسته نیست. درحقیقت، پرداختی‌ها به نوع فرمولی که برای تعیین مستمری استفاده می‌شود وابسته هستند. نحوه پرداختی‌ها به سه دسته زیر قابل طبقه‌بندی است:
■ پرداخت‌ها براساس متوسط سه یا پنج سال درآمد گذشته فرد انجام شود که موسوم به برنامه متوسط نهایی^۸ است.

1. Employer-Sponsored Pension Plans
2. Financial Planner
3. Tax Advantaged Accounts
4. Voluntary Occupational Pension Plan
5. Defined Benefit Pension Plans
6. Defined Contribution Pension Plans
7. Plan Administrator
8. Final Average Plan



■ پرداخت‌ها براساس دریافتی در طول زمان انجام شود که موسوم به برنامه متوسط شغلی^۱ است.

■ پرداخت‌ها براساس دستمزد ساعتی صورت پذیرد که به برنامه عایدی ثابت^۲ موسوم است.

شایان ذکر است در هر سه حالت فوق مقدار پرداختی به سال‌های خدمت نیز بستگی دارد.

همچنین همانند آنچه در گزارش شماره ۱ کانادا بدان اشاره شد؛ ممکن است به مبلغی که فرد دریافت می‌کند به‌طور منظم و به‌منظور کمک به تأمین هزینه‌های زندگی که عمدتاً در حال افزایش هستند، افزوده شود و مستمری تعدیل شده^۳ در اختیار فرد قرار گیرد. بارزترین مثال این نوع صندوق‌ها، برنامه بازنشستگی کانادا می‌باشد که در همان گزارش به‌طور مبسوط به آن اشاره شده است. از سوی دیگر، برنامه بازنشستگی مزایای معین به‌سبب آنکه یک برنامه بازنشستگی ثبت‌شده است؛ مشارکت‌های انجام شده در آن معاف از مالیات هستند [۱۳]، اما در هنگام برداشت مشمول مالیات می‌شوند. این مسئله سبب تحقق امکان رشد وجوه در داخل برنامه و معاف از مالیات می‌شود. در قسمت‌های پیش‌رو به توضیح بیشتر معافیت‌ها و صرفه‌های مالیاتی برنامه‌های بازنشستگی ثبت‌شده خواهیم پرداخت.

الف) مشارکت‌های داوطلبانه اضافی

برخی از برنامه‌های مزایای معین به اعضا این امکان را می‌دهند که علاوه بر مشارکت تعریف‌شده، مشارکت داوطلبانه اضافی (AVCs)^۴ نیز داشته باشند. یکی از نمونه‌های برنامه مزایای معین که امکان مشارکت داوطلبانه اضافی نیز به اعضای خود ارائه می‌کند، صندوق بازنشستگی کارکنان شهرداری اونتاریو^۵ (OMERS) است. این برنامه‌ها به‌منظور جایگزینی یا کامل کردن برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده فردی^۶ مطرح می‌شوند و به همین سبب محدودیت امکان مشارکت حاکم بر آن براساس قیود و محدودیت سالیانه حاکم بر برنامه پس‌انداز ثبت‌شده (RRSP) فردی است. (در بخش برنامه پس‌انداز ثبت‌شده به تفصیل اشاره خواهد شد).

مشارکت‌ها معمولاً در بخش‌های مشابه و همانند سایر وجوه برنامه مزایای معین (DB) سرمایه‌گذاری می‌شوند (حتی نحوه تخصیص دارایی، مدیران مربوطه و... نیز مشابه است)، اما درآمد اضافی که فرد در زمان بازنشستگی دریافت خواهد کرد براساس فرمولی مشخص و از پیش تعیین‌شده (مانند مواردی که فرد مشارکت‌های منظم داشته) نمی‌باشد [۱۴]. در حقیقت، حساب‌های مربوط به مشارکت داوطلبانه اضافی (AVC) هر ساله براساس بازده واقعی دارایی‌های بازنشستگی دارای بازده متفاوت بوده و پس از بازنشستگی، گزینه‌هایی به‌قرار زیر پیش‌روی فرد قرار می‌گیرد:

- حفظ سرمایه در یک حساب AVC (با حق برداشت).
- انتقال سرمایه به‌صورت یکجا به برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده.
- خرید مستمری ماهیانه اضافی (که توسط برنامه مستمری فرد پرداخت می‌شود) براساس نرخ بهره غالب.
- خرید مقرری سالیانه از یک شرکت بیمه‌ای.

۲-۱-۳. برنامه‌های بازنشستگی مشارکت معین

در برنامه مشارکت معین، فرد می‌داند چه مقدار در طرح سرمایه‌گذاری می‌کند؛ اما نمی‌داند چه مقدار در زمان بازنشستگی دریافت خواهد

1. Career Average Plan
3. Flat Benefit Plan
4. Indexed Pension
5. Additional Voluntary Contributions (AVCs)
6. Ontario Municipality Employees Retirement System (OMERS)
7. Individual Rrsps

کرد. معمولاً فرد و کارفرما (یا تنها کارفرما) میزان تعریف شده‌ای را هر ساله برای برنامه بازنشستگی پرداخت می‌کنند.

به‌ازای مشارکت معین،^۱ در یک یا چند محصول از جانب فرد سرمایه‌گذاری می‌شود. ممکن است خود فرد بتواند نحوه سرمایه‌گذاری سهم خود را انتخاب کند. میزان پولی که فرد در زمان بازنشستگی دریافت می‌کند وابسته به نحوه مدیریت برنامه و عملکرد سرمایه‌گذاری هاست. معمولاً خود فرد می‌تواند انتخاب کند که سرمایه‌گذاری را در چه جایی از برنامه مشارکت معین تا زمان بازنشستگی قرار دهد. گزینه‌های فرد اغلب بدین شرح هستند:

■ مقررری سالیانه.^۲

■ برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده همراه با محدودیت برداشت^۳ و یا صندوق مستمری ثبت‌شده همراه با محدودیت برداشت.^۴

■ ترکیبی از هر دو گزینه.

چنانچه عایدی ناشی از برنامه فرد در زمان بازنشستگی کمتر از میزان مشخصی باشد، آنگاه می‌تواند مستمری را به‌صورت نقد دریافت کند. براساس سن فرد و شرایط برنامه بازنشستگی، ممکن است فرد بتواند مقداری از سرمایه را در برنامه مالی دیگری مانند برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده (RRSP) یا صندوق مستمری ثبت‌شده (RRIF) بدون محدودیت برداشت مجدداً سرمایه‌گذاری نماید. مجری برنامه بازنشستگی معمولاً گزینه‌های پیش‌رو را در زمان بازنشستگی تشریح می‌کند [۱۳].

برنامه‌های مشارکت معین مستمری (برنامه DCP یا مشارکت معین) از جمله برنامه‌های مستمری ثبت‌شده هستند. در یک برنامه مشارکت معین مستمری، میزان پرداخت از قبل تعیین نمی‌شود و این عایدی براساس سرمایه‌گذاری و دارایی‌های موجود فرد در زمان بازنشستگی است. ریسک سرمایه‌گذاری برعهده برنامه نبوده و برعهده ذی‌نفعان است.

نحوه کارکرد برنامه مشارکت معین مستمری شرکت محور است. شامل یک مقدار ثابت مشارکت یا درصدی از حقوق است که به حسابی به نام فرد واریز می‌شود. این مشارکت‌ها از نوع هزینه‌های قابل قبول هستند (قابل کسر از مالیات)^۵ و دارایی‌ها بر پایه‌ی امکان تأخیر در فرایند پرداخت مالیات رشد می‌کند.

در برنامه مشارکت معین، مسئولیت انتخاب سرمایه‌گذاری‌ها از میان گزینه‌های در دسترس، برعهده خود فرد است. وجوه موجود در برنامه مشارکت معین تا زمان بازنشستگی برای فرد قابل برداشت نیست. «هزینه» برنامه مشارکت معین به‌راحتی قابل محاسبه بوده؛ اما عایدی نهایی آن مشخص نیست و به‌بازده سرمایه‌گذاری طرح بستگی دارد. بنابر آمار اعلامی توسط دولت کانادا بیش از یک میلیون کانادایی در سال ۲۰۱۸ تحت پوشش برنامه مشارکت معین مستمری (DCPP) هستند.^۶ در حقیقت قدمت هر دو برنامه‌های مشارکت معین و مزایای معین، در کانادا به بیش از یک قرن پیش بازمی‌گردد که در سال ۱۹۰۸ با قانون مقررری سالیانه دولت^۷ نخستین بار معرفی شده و به‌عنوان راهکار پس‌انداز فرد برای دوران بازنشستگی مورد توجه قرار گرفتند. همچنین، علی‌رغم تفاوت ساختاری موجود در این دو برنامه، هر دو تحت قوانین و مقررات اصلی یکسان می‌باشند و تنها برنامه‌های مشارکت معین باید قواعد دیگری هم چون شروط

1. Defined Contribution Pension.

۲. Annuity = مقررری سالیانه قراردادی بین فرد و شرکت بیمه است که در آن فرد یا به‌صورت یکجا و یا به‌صورت مجموعه‌ای از پرداختی‌ها، پرداخت را انجام می‌دهد و در ازای آن مبلغی را به‌طور منظم دریافت می‌کند. مقررری سالیانه بیمه عمر نیست. در حقیقت برعکس آن طراحی شده است. بدین صورت که بیمه عمر درآمد تضمین شده‌ای پس از فوت فرد است درحالی که مقررری سالیانه درآمد تضمین شده‌ای برای زمان زندگی است حتی اگر فردی بیش از انتظار زنده بماند. مقررری سالیانه می‌تواند درآمد مادام‌العمر فرد را تضمین کند. برای نمونه، اگر فردی مقررری سالیانه برای ۱۰۰۰۰۰ دلار در سن ۶۵ سالگی با درآمد ماهیانه ۵۰۰ دلار بخرد، فردی می‌تواند آن مقدار ۱۰۰۰۰۰ دلار را در سن ۸۲ سالگی پس گیرد. اگر فردی بیش از ۸۲ سال زندگی کند، همچنان ماهیانه ۵۰۰ دلار تا زمان حیات دریافت خواهد کرد.

3. A locked-in Registered Retirement Savings Plan

4. Locked-in Registered Retirement Income Fund (RRIF)

5. Tax-deferred

6. Statistics Canada.

7. The Government Annuity Act of 1908.

لازم برای انباشت سرمایه،^۱ اصول حاکم بر سرمایه‌گذاری را رعایت کنند. به‌طور کلی برنامه‌های مشارکت معین از راهبردهای انجمن نظارت بر بازنشستگان کانادا^۲ در امور سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه و... پیروی کند.

برنامه‌های مشارکت معین به دو صورت اجباری و اختیاری در کانادا رؤیت می‌شود که از نمونه‌های اختیاری آن می‌توان به برنامه بازنشستگی ساسکاچوان^۳ اشاره کرد.

الف) فرایند مشارکت‌های هماهنگ

مشارکت هماهنگ^۴ در واقع درصدی از مشارکت در طرح‌های مشارکت معین است که به‌منظور تشویق کارگران برای مشارکت و پیوستن به این برنامه‌ها، توسط کارفرما انجام می‌شود. طبق برآوردهای انجام شده از سوی صنعت، در سال ۲۰۱۹ کارفرمایان ۴۰ تا ۵۰ درصد وجوه هماهنگ^۵ که قرار است متناسب با بودجه موجود از منابع دیگر پرداخت شود را می‌پردازند.

ب) فرایند ترک برنامه پیش از زمان قانونی بازنشستگی

بیشتر برنامه‌های مشارکت معین هنگام جدایی از کارفرما، فرد را ملزم به انتقال وجه خود به خارج از برنامه می‌کنند. برای نمونه، سه گزینه به‌طور معمول پیش‌روی فرد قرار دارد:

۱ حساب بازنشستگی با محدودیت برداشت (ARIL)^۶

حساب بازنشستگی با محدودیت برداشت اغلب زمانی استفاده می‌شود که دارنده حساب شغل خود را تغییر دهد و بخواهد مبلغ به‌صورت یک‌جا در برنامه بازنشستگی حفظ شود. کارکرد حساب بازنشستگی با محدودیت برداشت (LIRA) تقریباً مشابه برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده (RRSP) است. از این‌رو، سرمایه موجود در این طرح مشمول مالیات نیست. تنها تفاوت عمده آن است که برداشت وجوه با محدودیت‌هایی همراه است.

۲ انتقال وجه به یک شرکت بیمه‌ای به‌منظور خرید مقرری سالیانه معوق^۷

- خرید مقرری سالیانه از شرکت‌های بیمه عمر.
- سرمایه با پرداخت سود منظم به فرد بازگردانده شود.
- فرد می‌تواند انتخاب کند که برای چه تعداد از سال‌های عمر خود پرداختی دریافت نماید.
- دریافتی می‌تواند به‌صورت ماهیانه، فصلی، نیمه سالیانه و یا سالیانه پرداخت شود.
- برای یک مبلغ مشخص، درآمد سالیانه وابسته به نرخ بهره فعلی، سن، جنسیت و هرگونه ضمانت یا گزینه‌های دیگر است.

۳ چنانچه با انتقال موافقت شود این انتقال می‌تواند تماماً به طرح مستمری دیگر منتقل شود.

ج) گزینه‌های پیش‌رو در برنامه‌های مشارکت معین به‌هنگام بازنشستگی

به‌طور معمول در یک برنامه مشارکت معین مستقیماً مستمری، پس از بازنشستگی پرداخت نمی‌شود و اعضا با دو گزینه پیش‌رو مواجه هستند:

۱ انتقال وجوه به یک صندوق درآمد زندگی (LIF)^۸ که مشابه صندوق مستمری ثبت‌شده (RRIF)^۹ است، اما دارای حداقل و حداکثر برداشت سالیانه می‌باشد.

■ یک حساب بازنشستگی با محدودیت برداشت تحت پوشش صندوق درآمد زندگی و یا صندوق بازنشستگی با محدودیت برداشت (LRIF)

1. Capital Accumulation
2. Canadian Association of Pension Supervisory Authorities (CAPSA)
3. Saskatchewan

4. Matching Contributions (کارفرما تنها در صورتی مشارکت می‌کند که فرد نیز مشارکت داشته باشد)

5. Matching funds
6. Locked-In Retirement Account (LIRA)
7. Deferred Annuity
8. Life Income Fund
9. A Registered Retirement Income Fund

است. صاحب صندوق درآمد زندگی ملزم به خرید مقرر سالیانه در سن ۸۰ سالگی است. این شرط اکنون حذف شده است و در حال حاضر صندوق‌های بازنشستگی با محدودیت برداشت از عملکرد مشابه با صندوق‌های درآمد زندگی برخوردار هستند.

- حداقل برداشت براساس ارزش برنامه در تاریخ اول ژانویه و سن دارنده آن در آن تاریخ، محاسبه می‌شود و مشابه همان مواردی است که برای درآمد مستمری ثبت شده استفاده شده است.
- حداکثر برداشت وابسته به نرخ اوراق قرضه در نوامبر سال قبل و همچنین وابسته به سن دارنده است.
- نهاد مالی مرتبط با صندوق بازنشستگی با محدودیت برداشت یا صندوق درآمد زندگی در ماه فوریه هر سال نامه‌ای به دارنده برنامه ارسال می‌کند که حداقل و حداکثر مبالغ برداشت در آن قید می‌شود.
- صندوق مستمری ثبت شده از نوع مشخص^۱ (PRRIFs) نمونه‌های متنوع از درآمد مستمری ثبت شده هستند که در آنها حداقل درصد برداشت مشابه با طرح‌های مستمری ثبت شده است، اما هیچ سقفی برای برداشت لحاظ نمی‌شود. در حال حاضر در ایالت ساسکاچوان عمدتاً این نوع صندوق‌ها به چشم می‌خورد.
- از یک شرکت بیمه که تضمین کننده درآمد مربوط به دوران زندگی است، مقرر سالیانه جدید خریداری کند.

در ادامه به شرح بیشتر صندوق‌های مستمری ثبت شده که مشابه با صندوق‌های درآمد زندگی هستند برای روشن تر شدن بحث، خواهیم پرداخت.

۳-۱-۳. صندوق مستمری ثبت شده (FIRR)

براساس قانون مالیات کانادا، وجوه واریز شده به صندوق مستمری ثبت شده، از نوع هزینه قابل قبول بوده و به صورت کسور از درآمد قبل از مالیات فرد کسر می‌شود. افراد می‌توانند از این صندوق برای جمع‌آوری وجوه پس‌اندازی خود و کسب سود از محل آنها استفاده کنند. این صندوق همانند حساب‌ها و برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده از معافیت‌های مالیاتی مشابهی برخوردار است و همچنین نزد آژانس درآمد کانادا^۲ ثبت شده است. در این بین، مزیت‌های مالیاتی حاکم بر حساب‌های مستمری ثبت شده، این امکان را فراهم می‌آورند که سود ناشی از برنامه، به صورت معاف از مالیات در حساب انباشت شود، اما برداشت‌ها از این حساب، همانند برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده، مشمول مالیات هستند، البته مالیات اخذ شده تنها براساس نرخ‌های حاکم بر درآمد بوده و صرف‌نظر از اصل پول سپرده‌گذاری شده، سود و بازه سرمایه و سهام، با تمامی وجوه به صورت یکسان و با ماهیت درآمد رفتار می‌شود. نحوه مشارکت در صندوق مستمری ثبت شده به شرح زیر است: افراد این امکان را دارند که تا پیش از سن ۷۱ سالگی در هر زمان دلخواه، یک حساب مستمری ثبت شده (RRIF) براساس حساب پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده (RRSP) ایجاد نمایند. از سوی دیگر افراد زیر سن ۷۱ سال نیز می‌توانند در صورت تمایل، حساب مستمری ثبت شده (RRIF) را به حساب پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده (RRSP) دوباره تبدیل کنند. همچنین افراد در هر سنی می‌توانند RRIF را به مقرر سالیانه تبدیل کنند. افرادی که حساب خود را از RRSP به RRIF تبدیل می‌کنند، امکان برداشت از حساب مطابق با مقادیر درج شده در جدول ۱ را دارا هستند، البته مقادیر یاد شده حداقل‌های برداشت بوده و افراد در صورت تمایل می‌توانند با پرداخت مالیات در منبع^۳ مبالغ بیشتر برداشت کنند. حداقل برداشت در حساب‌های مربوط به صندوق درآمد زندگی (LIF) نیز مطابق مقادیر درج شده در جدول زیر می‌باشد. شایان ذکر است که در سالی که فرد به تبدیل حساب خود RRIF دست می‌زند انجام حداقل برداشت الزامی نیست.

1. Prescribed RRIFs

2. The Canada Revenue Agency

۳. اخذ مالیات ۱۰ درصدی برای اولین برداشت ۵۰۰۰ دلاری مزاد، ۲۰ درصد در ۱۰۰۰۰ دلار مزاد بعدی و برای مبالغ بالای ۱۵۰۰۰ دلار مزاد ۳۰ درصد مالیات در منبع از فرد اخذ می‌شود.



جدول ۱. سطوح برداشت از حساب‌های RRIF بر اساس رده‌های سنی مختلف

سن صاحب حساب در اول ژانویه	درصد برداشتی از کل ارزش RRIF	سن صاحب حساب در اول ژانویه	درصد برداشتی از کل ارزش RRIF
۶۵	٪ ۴,۰۰	۷۸	٪ ۸,۳۳
۶۶	٪ ۴,۱۷	۷۹	٪ ۸,۵۳
۶۷	٪ ۴,۳۵	۸۰	٪ ۸,۷۵
۶۸	٪ ۴,۵۵	۸۱	٪ ۸,۹۹
۶۹	٪ ۴,۷۶	۸۲	٪ ۹,۲۷
۷۰	٪ ۵,۰۰	۸۳	٪ ۹,۵۸
حدفاصل ۶۵ تا ۷۰ (X)	$\frac{1}{90-X}$	۸۴	٪ ۹,۹۳
۷۱	٪ ۷,۳۸	۸۵	٪ ۱۰,۳۳
۷۲	٪ ۷,۴۸	۸۶	٪ ۱۰,۷۹
۷۳	٪ ۷,۵۹	۸۷	٪ ۱۱,۳۳
۷۴	٪ ۷,۷۱	۸۸	٪ ۱۱,۹۶
۷۵	٪ ۷,۸۵	۸۹	٪ ۱۲,۷۱
۷۶	٪ ۷,۹۹	۹۰ تا ۹۳	٪ ۱۳,۶۲ تا ٪ ۱۷,۹۲
۷۷	٪ ۸,۱۵	۹۴ به بالا	٪ ۲۰,۰۰

مأخذ: مرکز آمار کانادا، بررسی لایه سوم نظام تأمین اجتماعی کانادا، ۲۰۲۰.

۴-۱-۳. برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده (PSRR)

همان‌طور که قبل‌تر به اختصار بیان شد، برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده (RRSP) حساب‌هایی با هدف نگهداری پس‌انداز و دارایی‌های سرمایه‌گذاری است. هدف عمده این حساب‌های دارای مزیت مالیاتی،^۱ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای دوران بازنشستگی است. برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده به افراد محروم از مستمری مربوط به محل کار یا آنهایی که برای رسیدن به میزان پس‌انداز مورد نیاز علاوه بر حقوق بازنشستگی به وجوه دیگری احتیاج دارند، کمک می‌کند تا پس‌اندازی برای پوشش بخشی از هزینه‌های دوران بازنشستگی انجام دهند [۱۲]. انواع سرمایه‌گذاری‌هایی که در یک برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده صورت می‌گیرد، موسوم به سرمایه‌گذاری‌های واجد شرایط^۲ هستند. این سرمایه‌ها شامل وجوه نقد (از جمله ارزهای خارجی)،^۳ گواهی سرمایه‌گذاری تضمین‌شده (GICs)،^۴ اوراق قرضه، اوراق قرضه فاقد ریسک،^۵ سهام، ضمانت‌نامه‌ها و اختیارات،^۶ صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، اشکال مختلف قراردادهای پرداخت مقرری، شمش طلا و نقره و غیره است.

1. Tax Advantaged Accounts
2. Qualified Investments
3. Guaranteed Investment Certificates

4. Strip Bonds
5. Warrants and Options

سپرده‌ای مدت‌دار است که نرخ بازه تضمین شده برای مدت مشخصی ارائه می‌دهد.

تا پیش از ۷۱ سالگی، فرد ممکن است با در نظر گرفتن هرگونه تعدیل حقوق بازنشستگی، تا حداکثر ۱۸ درصد از درآمد سال گذشته خود را به یک برنامه پس انداز بازنشستگی ثبت شده اختصاص دهد. زمانی که فرد وارد سن ۷۱ سالگی شود می تواند وجوه جمع شده در این حساب را به صورت نقدی برداشت کند (البته با پرداخت مالیات مرتبط با آن) و همانند آنچه در بخش گزینه های پیش روی مشارکت کنندگان در طرح های مشارکت معین گفته شد؛ آن را به یک صندوق مستمری ثبت شده (RRIF) تبدیل کند یا به خرید مقرری سالیانه از شرکت بیمه مبادرت ورزد.

الف) فضای مشارکت

همان طور که پیش تر بیان شد مالیات دهندگان می توانند ۱۸ درصد از درآمد خود را در یک برنامه پس انداز بازنشستگی ثبت شده مشارکت کنند که از این میزان با عنوان فضای مشارکت^۱ یاد می شود. در سال ۲۰۲۰ فضای مشارکت برابر با حداکثر ۲۷۲۳۰ دلار و در سال ۲۰۲۱ برابر ۲۷۸۳۰ دلار گزارش شده است. این روند می تواند تا پایان سال مالیاتی که افراد وارد سن ۷۱ سالگی می شوند، ادامه یابد، البته فضای مشارکت، در صورت عضویت هم زمان فرد در طرح مستمری ثبت شده^۲ کاهش می یابد. مقادیر مربوط به سقف مشارکت سالیانه توسط آژانس درآمد کانادا^۳ براساس میزان فضای مشارکت استفاده نشده سال گذشته فرد، حد سالیانه برنامه پس انداز بازنشستگی ثبت شده (برای سال ۲۰۱۹، سقف سالیانه ۲۶۵۰۰ دلار است)، مستمری تعدیل شده ی فرد،^۴ ۱۸ درصد از درآمد فرد در سال قبل تعیین می شود. در جدول ۲ به حدود مشارکت برای سال های ۲۰۲۲-۱۹۹۱ اشاره شده است.

جدول ۲. حدود مشارکت در RRSP ۲۰۲۲-۱۹۹۱

حد مشارکت (دلار کانادا)	سال	حد مشارکت (دلار کانادا)	سال
۲۲۹۷۰	۲۰۱۲	۱۱۵۰۰	۱۹۹۱ و ۱۹۹۲
۲۳۸۲۰	۲۰۱۳	۱۲۵۰۰	۱۹۹۳
۲۴۲۷۰	۲۰۱۴	۱۳۵۰۰	۱۹۹۴-۲۰۰۳
۲۴۹۳۰	۲۰۱۵	۱۴۵۰۰	۲۰۰۴
۲۵۳۷۰	۲۰۱۶	۱۶۵۰۰	۲۰۰۵
۲۶۰۱۰	۲۰۱۷	۱۸۰۰۰	۲۰۰۶
۲۶۲۳۰	۲۰۱۸	۱۹۰۰۰	۲۰۰۷
۲۶۵۰۰	۲۰۱۹	۲۰۰۰۰	۲۰۰۸
۲۷۲۳۰	۲۰۲۰	۲۱۰۰۰	۲۰۰۹
۲۷۸۳۰	۲۰۲۱	۲۲۰۰۰	۲۰۱۰
۲۹۲۱۰	۲۰۲۲	۲۲۴۵۰	۲۰۱۱

مأخذ: همان.

1. Contribution Room
2. Registered Pension Plan
3. Canada Revenue Agency
4. Pension Adjustments (PA)

ب) مشارکت‌های مازاد

قوانین حاکم بر برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده اجازه مشارکت مازاد^۱ تا ۲۰۰۰ دلار بدون جریمه را برای افراد فراهم می‌کند. افراد با مشارکت بیش از مقدار وضع شده موظف به پرداخت جریمه یک درصدی مابه‌التفاوت سقف مشارکت و میزان مشارکتی که انجام داده‌اند به‌طور ماهیانه هستند؛ این جریمه تازمانی که مشارکت اضافه کمتر از حد مجاز شود، ادامه می‌یابد.

ج) مزیت مالیاتی

برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده مانند تمام برنامه‌های ثبت‌شده، از مزایای مالیاتی^۲ برخوردار هستند. درحقیقت این حساب‌ها ابزاری برای به‌تعویق انداختن مالیات محسوب شده و دارای چهار مزیت مالیاتی اصلی به‌قرار زیر هستند [۱۱].

- سود سرمایه‌گذاری‌ها تازمان برداشت از حساب معاف از مالیات است.
- مشارکت‌های صورت‌گرفته به‌سبب آنکه از نوع هزینه‌های قابل قبول است، از درآمد قبل از مالیات فرد کسر می‌کند و در نتیجه سرمایه‌گذاری مجدد آن سبب افزایش پس‌انداز می‌شود.
- فرایند حاکم بر این نوع حساب‌ها از طریق کاهش درآمد خالص فرد، منجر به افزایش برخی از عایدی‌های مبتنی بر آزمون وسع^۳ مانند حق اولاد^۴ می‌شود که برای افراد دارای فرزند زیر ۱۸ سال منفعتی جداگانه به‌همراه دارد.

■ عمدتاً پس‌اندازها در قالب حساب‌های ثبت‌نشده به‌روش‌های مختلف مشمول مالیات می‌شود. از درآمد و سود به‌طور کامل اخذ مالیات صورت می‌گیرد، همچنین به برخی از سود سهام‌های خاص اعتبار تعلق می‌گیرد و تنها با نیمی از عایدی ناشی از سرمایه‌گذاری رفتار مالیاتی مشابه با درآمد صورت می‌پذیرد. درحالی‌که همه برداشت‌های صورت‌گرفته از برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده به‌مثابه درآمد مشمول مالیات هستند، حتی وجوهی که به‌صورت سهام یا عایدی ناشی از سرمایه باشند.

■ همچنین باید به این نکته مهم توجه داشت که درآمد پس از بازنشستگی عمدتاً با نرخ کمتری نسبت به درآمد پیش از بازنشستگی مشمول مالیات می‌شود و از این طریق نیز مزیت مالیاتی جداگانه برای افراد به‌ارمغان می‌آورد، البته میزان برداشت‌ها از RRSPها بر روی آزمون وسع و در نتیجه دریافت و عدم دریافت طرح‌های مبتنی بر آن (همانند طرح درآمد مکمل تضمین‌شده (GIS)) اثر می‌گذارد؛ در نتیجه افراد کم‌درآمد که پس از ۶۵ سالگی واجد شرایط دریافت GIS هستند، باید قبل از ورود به ۶۵ سالگی کل برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده را برداشت کنند [۱۲].

د) فرایند برداشت از برنامه پیش از بازنشستگی

در حالت ایدئال، افراد به‌وجوه پس‌انداز شده در RRSP تازمان بازنشستگی که در قالب یک RRIF و یا مقرری سالیانه در اختیار فرد قرار می‌گیرد، نیاز ندارند، اما عمدتاً حالت ایدئال منطبق بر واقعیت نیست، گاهی اوقات افراد پیش از بازنشستگی، به‌خصوص در سال‌های کم‌درآمد، به‌وجوه پس‌اندازی خود نیاز دارند. در این حالت نرخ‌های متنوعی^۵ برای اخذ مالیات در منبع،^۶ بسته به سطح برداشت فرد وجود دارد. اخذ مالیات ۱۰ درصدی برای اولین برداشت ۵۰۰۰ دلاری، ۲۰ درصد در ۱۰۰۰۰ دلار بعدی و برای مبالغ بالای ۱۵۰۰۰ دلار ۳۰ درصد مالیات در منبع از فرد اخذ می‌شود، البته امکان برداشت با اهداف خاصی در قالب برنامه ویژه برداشت^۷ برای افراد میسر است که در دو حالت برنامه خرید خانه^۸ و یادگیری مادام‌العمر^۹ خلاصه می‌شود.

1. Excess Contributions
2. Tax Advantage
3. Income-tested
4. Child Benefit
5. Staggered Schedule
6. Withholding Taxes
7. Special Withdrawal Plans
8. The Home Buyers' Plan (HBP)
9. The Lifelong Learning Plan (LLP)

برنامه خرید خانه برنامه‌ای است که امکان برداشت وجه از RRSPs را به منظور خرید یا ساخت خانه برای فرد یا اشخاص از کار افتاده می‌دهد. فرد می‌تواند در یک سال تقویمی حداکثر ۳۵۰۰۰ دلار از RRSP خود برداشت کند، البته مشارکت‌های برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده باید حداقل ۹۰ روز در این برنامه باقی بماند تا فرد بتواند آنها را تحت برنامه خرید خانه برداشت کند، در غیر این صورت قابل کسر نیستند. اگر فرد به همراه همسر خود خانه‌ای بخرد و هر دو واجد شرایط این برنامه باشند، هر کدام می‌توانند حداکثر مبلغ را از برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده خود برداشت کنند. طبق قوانین برنامه خرید خانه و جوه برداشت شده باید طی ۱۵ سال بازپرداخت شود. اگر فرد طبق برنامه به بازپرداخت و جوه اقدام نکند، مبلغ مورد نیاز به درآمد مشمول مالیات سالیانه او اضافه می‌شود.

برنامه یادگیری مادام‌العمر به فرد این امکان را می‌دهد که مبالغی را از حساب پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده خود برای تأمین هزینه تحصیل خود یا همسرش برداشت کند. شایان ذکر است، این برنامه برای تأمین هزینه‌های مالی آموزش و تحصیل فرزندان فرد و یا فرزندان همسرش نیست. فرد می‌تواند حداکثر ۱۰۰۰۰ دلار برای خود و ۱۰۰۰۰ دلار برای همسر خود برداشت کند، به‌طور کلی سقف برداشت از برنامه یادگیری مادام‌العمر ۲۰۰۰۰ دلار است. مانند برنامه خرید خانه، مشارکت‌های برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده نیز باید حداقل ۹۰ روز پیش از برداشت در برنامه باقی بماند. طبق قوانین این برنامه، مبلغ برداشت شده از برنامه یادگیری مادام‌العمر باید طی ۱۰ سال بازپرداخت شود. در این بین، برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده گروهی^۱ و برنامه‌های مستمری ثبت شده تلفیقی^۲ نیز در این دسته قابل اشاره هستند. برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده گروهی، تجمیع چند برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده است که توسط یک کارفرما مدیریت و حمایت مالی می‌شود. این خود فرد است که یک حساب برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده باز می‌کند، اما کارفرمای وی هزینه‌های آن را پرداخت می‌کند. مشارکت فرد به واسطه کسری‌های منظم از فیش حقوق اوست. ممکن است کارفرما از جانب فرد در برنامه مشارکت کند. همانند RRSPs هر درآمدی که فرد از برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده گروهی کسب کند، تا زمانی که جوه در برنامه باشند، معاف از مالیات است. (هنگام خروج از برنامه مشمول مالیات می‌شود). همچنین اگر فرد هر دو حساب‌های RRSP و RRSP گروهی داشته باشد تنها ۱۸ درصد از درآمد خود را می‌تواند در مجموع هر دو حساب خود پس‌انداز کند [۱۸]. همان‌طور که انعطاف‌پذیری برنامه‌های مزایای معین، حرکت به سمت برنامه‌های کم‌خطرتر (برای کارفرما) نظیر برنامه بازنشستگی مشارکت معین را تشدید کرد، سخت‌گیری در مقررات و قوانین بازنشستگی نیز جرقه‌ای برای حرکت به سمت برنامه پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده گروهی است. تنها ۱۸ درصد از برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده گروهی مشارکت اجباری دارند. با وجود این حتی اگر مشارکت به صورت داوطلبانه هم باشد، مسئله مشارکت هماهنگ کارفرما منجر به جذب مشارکت می‌شود.

برنامه‌های مستمری ثبت شده تلفیقی مشابه برنامه‌های مشارکت معین هستند و عمدتاً برای افراد با مشاغل آزاد، مشاغل کوچک و متوسط است که به‌طور معمول از مستمری فضای کسب‌کار برخوردار نیستند. در برنامه‌های مشارکت معین کارفرما (و گاهی اوقات خود فرد) مقدار مشخصی را برای حقوق مستمری می‌پردازد، اما در برنامه‌های مستمری ثبت شده تلفیقی کارفرما مجبور به مشارکت در برنامه نیست. همچنین این برنامه به صورت داوطلبانه است و فرد می‌تواند درخواست دهد که بخشی از برنامه‌های مستمری ثبت شده تلفیقی کارفرمای خود نباشد. وجوه تجمیع شده در برنامه‌های مستمری ثبت شده تلفیقی در یک یا چند بازار از جانب فرد سرمایه‌گذاری می‌شود و مبلغی که فرد در هنگام بازنشستگی دریافت می‌کند به عملکرد سرمایه‌گذاری‌ها وابسته است [۱۳].

اهم ویژگی‌ها و بنیان اصلی برنامه‌های بازنشستگی ثبت شده را می‌توان در مواردی محدود کرد که در جدول ۳ قابل رؤیت است.

1. Group Registered Retirement Savings Plans (Group Rrsps)
2. Pooled Registered Pension Plans (PRPPs)

جدول ۳. ویژگی‌های اساسی برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده

<p>این حساب‌ها پروسه مالیات را به تعویق می‌اندازند:</p> <ul style="list-style-type: none"> ■ برای مثال اگر فرد ۷۰۰۰۰ دلار درآمد کسب کند و ۱۸ درصد آن را (۱۲۶۰۰) در این حساب‌ها پس‌انداز می‌کند. آژانس درآمد کانادا با او به‌عنوان فردی با درآمد ۵۷۴۰۰ رفتار می‌نماید. ■ تمام عواید تجمع یافته در نتیجه این حساب نیز عملکرد مشابه دارند و به تعویق مالیات می‌پردازند. 	<p>تنها کانادایی‌های زیر ۷۱ سال می‌توانند در آن مشارکت نمایند</p>	<p>در سال ۱۹۵۷ به‌منظور تسهیل در پس‌انداز برای دوران بازنشستگی پایه‌ریزی شد.</p>
<p>حد مشارکت:</p> <ul style="list-style-type: none"> ■ ۱۸ درصد از درآمد سال گذشته و یا مقداری که توسط آژانس درآمد کانادا اعلام می‌شود. ■ این حد مشارکت با حضور فرد در برنامه‌های بازنشستگی کارفرما کمتر نیز می‌شود. برای مثال در سال ۲۰۲۰ حداکثر حد کسری ۲۷۲۳۰ اعلام شده است ■ فضای مشارکت استفاده نشده در یک سال به سال بعدی منتقل می‌شود. 	<p>وجوه این حساب‌ها در زمان برداشت مشمول مالیات می‌شوند.</p>	<p>در زمان بازنشستگی و درست در زمانی که فرد به سن ۷۱ سال می‌رسد RRSPها به RRRIFها تبدیل می‌شوند (در این تبدیل، وجوه از حساب‌های غیرقابل برداشت به حساب‌هایی با امکان دریافت مقرری سالیانه تبدیل می‌شود).</p>

source: Ferley & et. al., 2010, p 18.

۳-۲. حساب پس‌انداز معاف از مالیات (ASFT)

حساب پس‌انداز معاف از مالیات^۱ در سال ۲۰۰۸ معرفی شد و در ژانویه سال ۲۰۰۹ امکان افتتاح این نوع حساب برای افراد محقق شد. علی‌رغم وجود عنوان «پس‌انداز» در نام حساب، این حساب می‌تواند برای سرمایه‌گذاری به‌ویژه برای دوران بازنشستگی فرد مورد استفاده گیرد. به‌طور کلی این برنامه برای شاغلینی که به مستمری محل کار دسترسی ندارند و افراد دارای مشاغل آزاد می‌باشد تا از طریق آن به جمع‌آوری وجوه برای دوران بازنشستگی اقدام کنند. این حساب‌ها همانند RRSPها دارای معافیت‌های مالیاتی هستند که به شرح زیر است [۵]:

- هیچ‌اخذ مالیاتی از درآمد یا عایدی سرمایه داخل این نوع حساب‌ها صورت نمی‌گیرد.
 - مبالغی که افراد در حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات مشارکت می‌کنند؛ به‌صورت هزینه‌های قابل قبول از درآمد ناخالص شان کسر نمی‌شود.
 - وجوه حتی در زمان برداشت از این نوع حساب‌ها مشمول مالیات نمی‌شوند.
- همان‌طور که مشخص است؛ علی‌رغم شباهت‌های بسیار حساب‌های RRSP و TFSA، تفاوت‌های عمیقی در مزیت‌های مالیاتی حاکم بر این دو به چشم می‌خورد.

تفاوت مهم دیگر این دو حساب آن است که برخلاف RRSPها، هیچ‌یک از عواید ناشی از TFSA و برداشت از محل آنها، جزء درآمد احصا شده فرد در آزمون وسیع قرار نمی‌گیرد و بر دریافت تسهیلات و مستمری‌هایی مانند طرح امنیت سالمندان، GIS و حق اولاد تأثیر نمی‌گذارد. درحقیقت به‌دلیل آنکه افراد قبلاً مالیات مربوط به مشارکت‌های انجام‌شده در TFSA را پرداخت کرده‌اند، در زمان برداشت نه ملزم به پرداخت مالیات هستند و نه وجوه برداشتی به‌عنوان درآمد دوره جاری آنها حساب می‌شود که بر آزمون وسیع اثر گذار باشد [۱۵].

۳-۲-۱. سطح مشارکت در حساب‌های معاف از مالیات

حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات برای همه‌ی افراد بالای ۱۸ سال دارای شماره بیمه اجتماعی^۲ معتبر در دسترس است. حداکثر سقف مشارکت اولیه در ابتدای معرفی این حساب‌ها ۵۰۰۰ دلار در سال معرفی شد که در ابتدا ثابت ماند، اما از سال ۲۰۱۴ این مقدار هر ساله براساس تورم تعدیل می‌شود. همچنین سطوح مشارکت در صورت عدم استفاده برای سال بعد قابل استفاده است. جزییات مربوط به سطوح مشارکت در TFSAها برای سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۰۹ در جدول زیر نشان داده شده است.

1. The Tax-Free Savings Account (TFSA)
2. Social Insurance Number

جدول ۴. حد مشارکت و فضای انباشته در حساب‌های پس انداز مالیات (۲۰۰۹-۲۰۲۱)

سال	حد مشارکت	فضای انباشته
۲۰۰۹	۵۰۰۰	-
۲۰۱۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰
۲۰۱۱	۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
۲۰۱۲	۵۰۰۰	۲۰۰۰۰
۲۰۱۳	۵۵۰۰	۲۵۵۰۰
۲۰۱۴	۵۵۰۰	۳۱۰۰۰
۲۰۱۵	۱۰۰۰۰	۴۱۰۰۰
۲۰۱۶	۵۵۰۰	۴۶۰۰۰
۲۰۱۷	۵۵۰۰	۵۲۰۰۰
۲۰۱۸	۵۵۰۰	۵۷۵۰۰
۲۰۱۹	۶۰۰۰	۶۳۵۰۰
۲۰۲۰	۶۰۰۰	۶۹۵۰۰
۲۰۲۱	۶۰۰۰	۷۵۵۰۰

Source: Jamie Golombek, 2020, p 14.

از سوی دیگر افراد می‌توانند با تقسیم درآمد خود بین اعضای خانواده‌شان ضمن کاهش نرخ مالیات مؤثر مربوط به آنها، جوهی در حساب معاف از مالیات اعضای خانواده‌ی واجد شرایط حساب TFSA، نگهداری کنند. به‌طور کلی حساب‌های معاف از مالیات در سه نوع زیر قابل ارائه هستند:

۱- قرارداد مقرری سالیانه.^۱

۲- سپرده.

۳- ترتیبات موجود در اتحادیه‌ها.^۲

بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، اتحادیه‌های اعتباری و شرکت‌های معتمد همه می‌توانند TFSAها را صادر کرده و به افراد ارائه دهند. علاوه بر آن، افراد می‌توانند راست به مدیریت حساب و پرتفوی سرمایه‌گذاری خود از طریق خرید و فروش انواع ابزار سرمایه‌گذاری مثل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، صندوق‌های قابل معامله در بورس، سهام و اوراق قرضه بپردازند که در این حالت با ایجاد صرفه‌های مقیاس، هزینه‌های کارمزد مختص به کارگزاران آنها کاهش می‌یابد.

۲-۲-۳. مشارکت فراتر از سقف مجاز

حساب‌های معاف از مالیات از سازوکاری تقریباً مشابه با RRSPها برخوردارند، به‌گونه‌ای که به‌طور سالیانه، فضای مشارکت محدودی در اختیار افراد قرار می‌گیرد. در این بین اگر فرد مشارکتی بیش از سقف مجاز^۳ در حساب داشته باشد، متحمل جریمه قابل توجه می‌شود؛ به همین دلیل درک چگونگی عملکرد قوانین در این گونه مشارکت‌ها برای حساب پس انداز معاف از مالیات بسیار حائز اهمیت است. مشارکت فراتر از سقف مجاز عمدتاً در زمان برداشت از حساب توسط فرد صورت می‌پذیرد. در این حالت فرد تنها در صورت داشتن فضای مشارکت خالی در سال مذکور، می‌تواند تمام یا بخشی از برداشت خود را جایگزین و یا مجدداً در حساب مشارکت کند؛ در غیر این صورت مبلغ برداشت شده تنها می‌تواند در ابتدای سال آتی به حساب او اضافه شود، اما اگر فرد در حالی که فضای مشارکت خالی ندارد، به مشارکت مجدد برای جایگزینی

1. An Annuity Contract
2. An Arrangement in Trust
3. Over-contribution



وجه برداشتی مبادرت ورزد؛ مرتکب مشارکت بیش از سقف مجاز گشته و ملزم به پرداخت جریمه می‌باشد. در حقیقت برداشت‌هایی که در طول سال مجدداً سپرده‌گذاری می‌شوند بنا بر قواعد حاکم بر TFSA ها به‌مثابه مشارکت جدید در نظر گرفته می‌شوند و مشارکت فراتر از سقف مجاز بدان معناست به میزان بیش از سقف مجاز در حساب مشارکت کرده و مستحق پرداخت جریمه می‌باشد.

برای نمونه در یک مثال ساده، اگر فردی در اول ژانویه ۵۰۰۰ دلار در حساب TFSA مشارکت کند، در دوم ژانویه آن مقدار را برداشت نماید و مجدداً آن را در سوم ژانویه در حساب جایگزین کند، فرض می‌شود فرد ۱۰۰۰۰ دلار برای آن سال مالیاتی در حساب TFSA مشارکت داشته است. در این حالت او به میزان یک درصد از حداکثر تجاوز از مشارکت مجاز^۱ و به تعداد ماه‌هایی که مشارکت فراتر از سقف جریمه می‌شود که در مثال ما مبلغ ۶۰۰ دلار است.

$$1\% \times \$5000 \times 12 = 1\% \times \$60000 = \$600$$

همچنین اگر امور مالی آژانس در آمد کانادا متوجه نیت سوء فردی در جهت مشارکت فراتر از سقف برای مدت کوتاه به‌منظور انجام فرار مالیاتی شود، این اختیار را دارد که ۱۰ درصد مشارکت فراتر از سقف مجاز را به‌عنوان مالیات جریمه کند.

تا پایان سال ۲۰۱۷، بنابر مرکز آمار کانادا تقریباً ۱۴ میلیون حساب پس‌انداز معاف از مالیات باز شده است و ارزش دارایی‌های موجود در این حساب‌ها به رقمی بالغ بر ۲۷۶ دست‌یافته است. مجموعه ویژگی‌های حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات را می‌توان در جدول ۵ مشاهده کرد.

جدول ۵. ویژگی‌های اساسی حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات

حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات در سال ۲۰۰۹ برای تسهیل در امر بیشتر پس‌انداز رونمایی شدند.	برخلاف RRSP ها مشارکت‌های انجام شده در حساب‌های معاف از مالیات، به‌صورت هزینه قابل قبول نیست.	کانادایی‌های ۱۸ سال و بیشتر می‌توانند در این حساب مشارکت داشته باشند.	حد مشارکت‌ها به سطوح درآمدی بستگی ندارد. برای مثال در سال ۲۰۲۰ حد مشارکت ۶۰۰۰ دلار گزارش شده است. امکان انتقال فضای مشارکت‌های استفاده نشده به سال‌های بعد وجود دارد.
همه عواید (شامل سود سهام) در این حساب‌ها معاف از مالیات است.	مقداری که از برنامه برداشت می‌شود؛ می‌تواند مجدداً در برنامه مشارکت داده شود.	امکان برداشت از این حساب‌ها در هر زمان و به هر علتی بدون امابت مالیاتی وجود دارد.	امکان انتقال دارایی‌ها به همسر و یا شریک قانونی فرد پس از مرگ به‌صورت معاف از مالیات وجود دارد.

Source: Jamie Golombek, 2020, p 11.

۳-۳. مقایسه برنامه‌های بازنشستگی ثبت‌شده با حساب‌های معاف از مالیات

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد هر دو حساب‌های TFSA و RRSP دارای مزیت‌ها و محدودیت‌هایی است که عمدتاً سبب دارایی افراد برای دوران بازنشستگی‌شان را تنوع می‌بخشد. امکان کاهش مأخذ مالیاتی در نتیجه مشارکت در RRSP ها و برداشت معاف از مالیات بدون اثر بر نتیجه آزمون‌های وسیع در نتیجه TFSA ها سبب می‌شود که عمدتاً افراد با درآمد متوسط، پایین به حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات به‌منظور داشتن پس‌انداز انعطاف‌پذیر بدون ریسک مربوط به عدم دریافت مستمری‌های مربوط به آزمون وسیع، روی آورند، اما عمدتاً برای بسیاری از اشخاص در بیشتر موقعیت‌ها استفاده از RRSP ها مرجح است [۱۵].

نتایج حاصل از مقالات متنوع نشان می‌دهد آستانه درآمدی که به‌موجب آن شرکت در برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی منجر به مصرف مادام‌العمر بالاتری نسبت به حساب پس‌انداز معاف از مالیات می‌شود، به‌طرز حیرت‌انگیزی بالاست. براساس مطالعات صورت گرفته، سطح آستانه اشاره شده در بالا برای یک خانواده با دو والد و مستأجر ۷۶۶۲۱ دلار و برای فرد مجرد مستأجر ۸۵۵۴۵ دلار می‌باشد. در جدول ۶ مقایسه دو طرح اخیر قابل رؤیت است.

1. Highest Excess TFSA Amount

۲. وجوه مربوط به مشارکت در RRSP ها به‌صورت هزینه قابل قبول از درآمد قبل از مالیات فرد و در نتیجه درآکد مشمول مالیات کسر می‌نماید.

جدول ۶. مقایسه دو حساب پس انداز معاف از مالیات و برنامه بازنشستگی ثبت شده

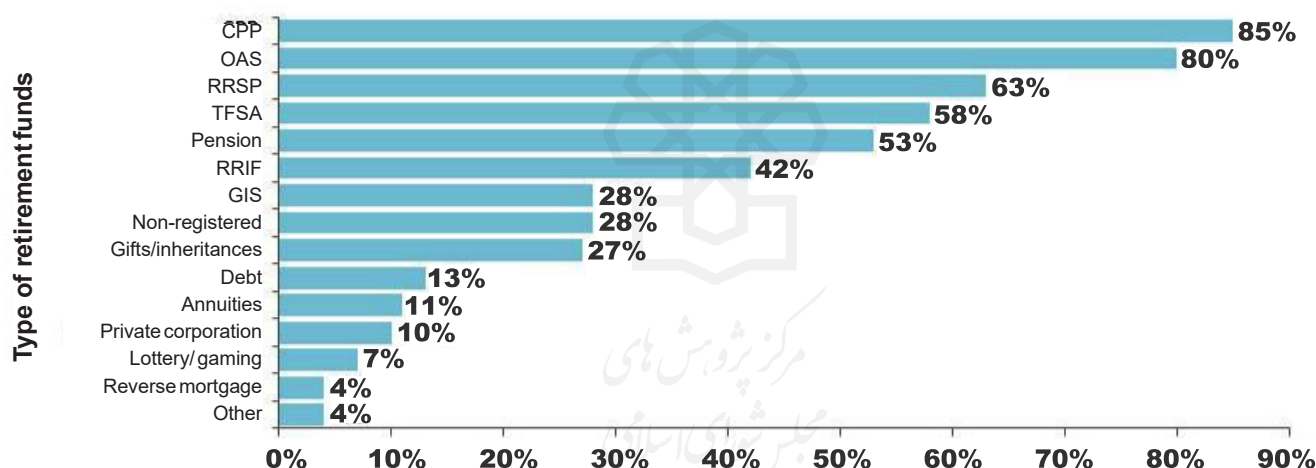
موضوع	حساب‌های پس انداز معاف از مالیات	برنامه‌های پس انداز تعریف شده
هدف اصلی	برای تمام وقایع نیاز به پس انداز زندگی (نه فقط دوران پس از بازنشستگی)	عمدتاً برای نیازهای دوران بازنشستگی
حداقل سن	۱۸ سال	هیچ
حداکثر سن	ندارد	۷۱ سال
زمان سررسید	ندارد	انتهای سالی که فرد به سن ۷۱ سال می‌رسد
حد مشارکت سالانه	۶۰۰۰ دلار (۲۰۲۰)	۲۷۲۳۰ دلار (۲۰۲۰)
میزان مشارکت براساس درصد درآمد	ندارد	۱۸٪ درآمد - براساس حدود مشارکت سالیانه
مشارکت مازاد	مالیات یک درصدی ماهیانه و یا مالیات ۱۰۰ درصدی در صورت کشف فرار مالیاتی	مالیات یک درصدی ماهیانه (تا ۲۰۰۰ دلار مازاد مشارکت قابل قبول است)
امکان انتقال فضای مشارکت استفاده نشده به سال‌های بعد	از هر سال به سالی دیگر	از هر سال به سالی دیگر
نحوه تعدیل حد مشارکت	براساس CPI	براساس متوسط دستمزد صنعتی
امکان انتقال به همسر در زمان مرگ و جدایی	بله، بدون اثرگذاری بر فضای مشارکت	بله، بدون اثرگذاری بر فضای مشارکت
قابل کسر بوده مشارکت صورت گرفته	به صورت هزینه قابل قبول و کسر پذیر نیست	خیر
درآمد ناشی از سرمایه‌گذاری مشمول مالیات	خیر	برداشت از حساب مشمول مالیات می‌شود.
برداشت از حساب مشمول مالیات	امکان برداشت از حساب در هر زمان و با هر هدفی به طور معاف از مالیات، اما در زمان مشارکت مجدد در صورتی که فرد فضای مشارکت خالی نداشته باشد، متحمل جریمه می‌شود.	امکان برداشت از حساب در هر زمان و با هر هدفی با پرداخت مالیات مترتب امکان پذیر است.
حداقل برداشت	خیر	بله، بعد از تبدیل RRSP به RRIF
اثر بر عواید مبتنی بر آزمون‌های وسع همانند طرح امنیت سالمندان، درآمد مکمل تضمین شده و...	بر عواید و اعتبار مالیاتی بی‌اثر است	منجر به کاهش عواید و اعتبار مالیاتی می‌شود.
اثر مالیاتی در زمان فوت صاحب حساب	در زمان انتقال به همسر معاف از مالیات است، اما انتقال آن به غیر از همسر مشمول مالیات می‌شود.	اگر به همسر منتقل شود خیر

مأخذ: دولت کانادا، بررسی خصیصه‌های طرح‌های لایه سوم، ۲۰۲۰.



بر اساس نظرسنجی صورت گرفته از شهروندان کانادایی در سال ۲۰۱۹، عواید مربوط به CPP، OAS، RRSP و TFSA چهار منبع اصلی با بیشترین موارد استفاده برای تأمین هزینه‌های دوران بازنشستگی افراد می‌باشد [۶]. جزییات مربوط به این نظرسنجی در نمودار ارائه شده است.

نمودار ۵. منابع مورد استفاده برای دوران بازنشستگی بر اساس نظرسنجی بازنشستگی CIBC



Source: Glombek & Francis, 2010, p 21.

۴. نظام درمان کشور کانادا



نظام درمان در کشور کانادا بر اساس اصل اساسی دسترسی به خدمات درمان بر اساس نیاز و نه توانایی پرداخت افراد به موجب سند سلامت کانادا در سال ۱۹۸۴ پایه‌ریزی شد. خدمات بهداشتی و درمانی در کانادا از طریق دولت‌های منطقه‌ای و ایالتی و با بودجه عمومی به شهروندان ارائه می‌شود. نظام درمان در کانادا به‌طور غیررسمی «مراقبت‌های پزشکی»^۲ نام داشته و به‌طور جهانی شهروندان کانادا را از مزایای مخصوص به درمان منتفع می‌کند. نظام درمان در کشور کانادا - مشابه کشور انگلیس - از محل درآمد مالیاتی تغذیه کرده و بر اساس سازوکار غیر متمرکز اداره می‌شود. در کشور کانادا ۱۰ ایالت و ۳ منطقه وجود دارد که هر دولت ایالتی و منطقه‌ای مسئول توزیع خدمات بهداشتی و درمانی مختص به ناحیه خود است. همین مسئله نیز سبب تفاوت‌هایی در میزان پوشش پزشکی در مناطق مختلف کانادا شده است [۱۲].

در این کشور تقریباً همه مراقبت‌های بهداشتی توسط شرکت‌های خصوصی ارائه و مستقیماً هزینه مربوط به آنها توسط دولت پرداخت می‌شود. این نظام تقریباً ۷۰ درصد از نیازهای پزشکی کانادایی‌ها را پوشش می‌دهد و ۳۰ درصد باقیمانده عمدتاً از طریق بخش خصوصی پرداخت می‌شود. ۳۰٪ اخیر عمدتاً مربوط به خدماتی است که تحت پوشش کامل و یا جزئی نظام عمومی درمان قرار نمی‌گیرد. همین مسئله سبب شده است که بیمه درمانی خصوصی در کانادا جایگاه مخصوص به‌خود را داشته باشند و حدود ۶۵ تا ۷۵ درصد کانادایی‌ها تحت پوشش نوعی بیمه درمان تکمیلی قرار بگیرند که اغلب توسط کارفرمایان ارائه می‌شود و بر اساس آنکه افراد جزء جمعیت آسیب‌پذیر کشور (بزرگسالان، معلولین، خردسالان) هستند از خدمات اجتماعی ثانویه منتفع می‌شوند. طبق مطالعه‌ای که توسط مؤسسه اطلاعات بهداشتی کانادا (CIHI)^۳ در سال ۲۰۱۷ انجام شده است، ۲۸٪ از هزینه‌های سالیانه بهداشت کانادا یا تحت پوشش خدمات پزشکی خصوصی است یا توسط افراد پرداخت می‌شود.

1. Canada Health Act
2. Medicare
3. Canadian Institute for Health Information (CIHI)

در کشور کانادا مالیات مخصوص تأمین هزینه‌های درمان وجود ندارد، بنابراین دولت از ترکیب منابع مالیاتی خود همچون مالیات بر درآمد، مالیات بر فروش، مالیات بر املاک، حق امتیاز واردات، بیمه اشتغال (EI) - یا مالیات بر حقوق و دستمزد - و غیره، برای تأمین هزینه‌های بخش درمان استفاده می‌کند. بنابر مطالعه CIHI، در سال ۲۰۱۷ متوسط مردم کانادا ۶۶۰۴ دلار کانادا برای درمان خود مالیات می‌پردازند. مراقبت‌های بهداشتی کانادا فقط «خدمات پزشکی ضروری و بیمارستانی» را پوشش می‌دهد. باین حال، دولت فدرال به‌طور شفاف اعلام نمی‌کند که مجموعه خدمات ضروری شامل چه مواردی می‌شود و تصمیم‌گیری در این حوزه را به اختیار دولت‌های ایالتی و منطقه‌ای واگذار می‌کند. برنامه‌های منطقه‌ای سلامت که به‌عنوان برنامه‌های بیمه درمانی استانی نیز شناخته می‌شود به‌طور معمول شامل موارد زیر است:

- درمان اورژانس بیمارستان.
- عمده مراقبت‌های اولیه و ثانویه، به‌معنای هرگونه خدمات پزشکی ضروری برای کمک به تشخیص و درمان هرگونه آسیب/بیماری.
- خدمات بارداری (از جمله مراقبت‌های قبل از زایمان و پس از زایمان).
- همه افراد در زمان دریافت خدمات درمان ملزم به پرداخت هیچ مبلغی نیستند و صورت حساب‌های صادره برای دولت فرستاده می‌شود. همچنین مزایای مربوط به طرح درمانی کانادایی عمدتاً شامل برخی موارد همچون موارد زیر نمی‌شود:
 - نسخه دارو.
 - خدمات آمبولانس (به‌جز در ایالت یوکان).
 - مراقبت از دندان.
 - مراقبت از چشم.
 - سمعک.
 - فیزیوتراپی.
 - پروتزهای اندام.
 - مراقبت روان‌شناس.
 - متخصصان عمل جراحی.
- آزمایشات لازم برای اسناد رسمی (برای مثال گواهینامه رانندگی).

البته همان‌طور که پیش‌تر گفته شد دامنه پوشش خدمات پزشکی در مناطق مختلف متفاوت است و موارد ذکر شده در بالا تنها نمونه‌های معمول عدم شمول طرح درمان رایگان کانادا می‌باشد. شایان ذکر است که بسیاری از موارد اشاره شده در این لیست فوق برای کودکان، افراد بالای ۶۵ سال و افراد با درآمد پایین کماکان جز خدمات طرح رایگان درمان تلقی شده و در اختیار این افراد قرار می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین مواردی که سبب شده افراد در کنار طرح درمان دولت به بیمه‌های خصوصی روی بیاورند، عدم پوشش داروهای تجویزی و مدت زمان طولانی انتظار برای خدمات پزشکی است، به همین سبب حدود ۶۶٪ از شهروندان کانادایی به‌نوعی تحت پوشش بیمه درمان خصوصی هستند. به‌طور کلی نظام بهداشت و درمان کانادا در سطح جهانی، عملکرد نسبتاً خوبی را از خود به نمایش گذاشته است و از این حیث در مقام چهاردهم دنیا قرار دارد. (دنیل مارتین، ۲۰۱۸)^۱ در سال ۲۰۱۷ کانادا از نظر سرانه هزینه‌کرد مربوط به سلامت رتبه یازدهم در میان کشورهای OECD را به خود اختصاص داده است (گزارش OECD)^۲ هزینه‌های مربوط به درمان در سال ۲۰۱۷، ۱۲٪ از GDP کشور را به خود اختصاص داده‌اند که بنابر تخمین‌های دولت کانادا این رقم در سال ۲۰۳۱ به ۱۸٪ نیز خواهد رسید.^۳

1. Daniel Martin, 2018
2. OECD, 2017, Health Expenditure and financing
3. Canada 's Statistics

۵. نظام مالیاتی کشور کانادا



در بخش حاضر به مرور اجمالی نظام مالیاتی کشور کانادا خواهیم پرداخت. بر اساس قانون مالیات^۱ بر درآمد، همه ساکنین کانادا موظفند بر روی کلیه جریان‌های درآمدی خود، مالیات بپردازند؛ حتی میزان مشارکت‌های صورت گرفته برای دوران بازنشستگی نیز مانند بیشتر درآمدها مشمول مالیات با نرخ نهایی مالیات استانی و فدرال، مشمول مالیات می‌شود (در ادامه نرخ‌های مربوط به اخذ مالیات را شرح خواهیم داد). در این بین برخی از مستمری‌های اعطایی مبتنی بر آزمون وسع هستند و با افزایش درآمد، کم می‌شوند و همچنین در برخی از پرداختی‌ها می‌توان بدهی مالیاتی را از طریق اعتبارات مستمری^۲ کاهش داد. از سوی دیگر زوج‌های متأهل می‌توانند در برخی از مستمری‌ها مطابق با اختیاراتی که قانون برای افراد قائل است، بدهی مالیاتی خود را از طریق تقسیم مستمری^۳ کاهش دهند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، برداشت‌های فراتر از سقف از حساب‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت شده^۴ نیز، مشمول ۱۰ تا ۳۰ درصد پرداخت مالیات هستند.

البته کانادا همانند اکثر کشورهای OECD مالیات تکلیفی اخذ شده از هر فرد را در هنگام تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی توسط او، به صورت اعتبار باز پرداخت می‌کنند.^۵ در ادامه این بخش به ارائه رویه اخذ مالیات بر درآمد در کانادا خواهیم پرداخت.

۵-۱. انواع مالیات

در کانادا به دلیل وسعت، سه نوع دولت وجود دارد که هر یک از آنها به اخذ نوعی از مالیات مبادرت می‌ورزند و شهروندان موظف به پرداخت آنها هستند. این سه دولت عبارتند از:

- دولت مرکزی.^۶
 - دولت ایالتی یا قلمروی.^۷
 - دولت شهرداری^۸ (شامل مالیات بر دارایی و یا انتقال آن) [۲۴].
- به دلیل نرخ‌های مختلف مالیاتی وضع شده در ایالت‌های مختلف، میزان مالیات‌های عمومی پرداختی از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت است و به طور کامل وابسته به قوانین و نرخ‌های مرجع محاسبه شده در ایالت مذکور می‌باشد [۱۲].
- انواع مالیات‌های وضع شده در کانادا شامل مالیات فروش (PST)^۹، GST^{۱۰} و HST^{۱۱}، مالیات بر دارایی، مالیات بر سود سرمایه و (در برخی استان‌ها) مالیات بر ماشین، مالیات بر سوخت و مالیات بر دخانیات است.
- سیاست‌های مالیاتی در کانادا توسط وزارت دارایی دولت مرکزی تعیین می‌شود و آژانس درآمد کانادا^{۱۲} مسئول جمع‌آوری مالیات بر درآمد و اجرای اقدامات مرتبط با تأمین اجتماعی در سطح فدرال (به جز در کبک) می‌باشد و در کبک این وظیفه توسط اداره درآمد کبک (RC)^{۱۳} صورت می‌پذیرد [۱۴].

1. The Income Tax Act

۲. بنابر زیربخش اعتبارات برای بازنشستگان اشاره شده در قانون مالیات بر درآمد (برای مثال ۲۰۰۰ دلار برای فدرال و بازه ۲۰۰۰-۰ دلار برای ایالت‌ها).

3. Pension Splitting

4. RRSP و RRIF

۵. بنابر قانون مالیات بر درآمد کانادا، بازپرداخت حداکثر می‌تواند تا میزان مالیات محاسبه شده برای فرد باشد.

6. Federal Government

7. Provincial or Territorial Government

8. Municipal Government

9. Provincial Sales Tax

10. Goods and Services Tax

11. Harmonized Sales Tax

12. Canada Revenue Agency

13. Revenu Québec (RC)

بنابر قانون مالیات بر درآمد کانادا، تمامی افراد مقیم موظف به پرداخت مالیات هستند که در آن، اقامت افراد بر اساس «محل زندگی» که شامل مالکیت خانه کانادایی و یا حتی داشتن حساب در بانک کانادایی، تعیین می‌شود.

کانادا در حال حاضر از ده‌ایالت و سه قلمرو تشکیل شده است که هر یک از آنها نرخ‌های مالیات بر درآمد و حتی بازه‌های مختلفی از سطوح درآمد افراد حقیقی را برای اخذ مالیات معرفی می‌کنند. (در بخش نرخ‌های مالیات ایالت‌ها به شرح هر یک خواهیم پرداخت).

به‌طور کلی همه افراد مکلفند مالیات دولت مرکزی را پرداخت کنند که بدین منظور سطوح درآمدی افراد با پنج بازه‌ی طبقه مالیاتی^۱ تعریف شده در دولت مرکزی مقایسه می‌شود و بر اساس نرخ مالیات هر بازه که به‌صورت تصاعدی تعریف شده است، مالیات مربوط به هر شخص معین می‌شود. تصاعدی بودن نرخ‌ها بدان معناست که به افرادی با سطوح درآمد بالاتر نرخ‌های بالاتر مالیاتی اصابت می‌کند؛ البته بدین گونه که اگر درآمد فرد افزایش یابد به‌گونه‌ای که در طبقه مالیاتی جدید جای بگیرد، تنها بخشی از درآمد فرد در طبقه بالاتر قرار گرفته است با نرخ بالاتر به‌صورت مالیات برای فرد منظور می‌شود. همچنین درآمد مشمول مالیات فرد از طریق کسر هزینه‌های قابل قبول^۲ از کل درآمد فرد حاصل می‌شود. در جدول زیر نرخ‌ها و طبقه‌های پنجگانه‌ی مالیاتی دولت مرکزی برای سال ۲۰۲۱ نشان داده شده است.

جدول ۷. نرخ تصاعدی و پلکانی مالیات بر درآمد فدرال

- ۱۵ درصد برای درآمد ۴۷۶۳۰ دلار اول مشمول مالیات، به‌علاوه
- ۲۰٫۵ درصد از درآمد مشمول مالیات ۴۷۶۳۰ دلار بعدی
- (برای برکت درآمد مشمول مالیات ۴۷۶۳۰ دلار تا ۹۵۲۵۹ دلار)، به‌علاوه
- ۲۶ درصد از درآمد مشمول مالیات ۵۲۴۰۸ دلار بعدی
- (برای برکت درآمد مشمول مالیات ۹۵۲۵۹ دلار تا ۱۴۷۶۶۷ دلار)، به‌علاوه
- ۲۹ درصد از درآمد مشمول مالیات ۶۲۷۰۴ دلار بعدی
- (برای برکت درآمد مشمول مالیات ۱۴۷۶۶۷ دلار تا ۲۱۰۳۷۱ دلار) به‌علاوه،
- ۳۳ درصد درآمد مشمول مالیات بالای ۲۱۰۳۷۱ دلار.

Source: Canada Agency, Tax section, 2020.

افراد موظفند تمامی امتیازهایی را که از دولت و سازمان کار و توسعه اجتماعی کانادا دریافت می‌کنند، اعم از مستمری امنیت سالمندان، درآمد مکمل تضمین شده در اظهارنامه مالیاتی خود لحاظ کنند. اگر درآمد خالص فرد بیش از ۷۷۵۸۰ دلار باشد، فرد موظف به بازپرداخت عایدی OAS است. در جدول زیر نحوه محاسبه مالیات برای افراد مختلف نشان داده شده است.

1. Tax Bracket
2. Deductible Cost



جدول ۸. نحوه محاسبه مالیات بر درآمد فدرال

سطوح درآمدی* کمتر از ۴۷۶۳۰ دلار	سطوح درآمدی بین ۴۷۶۳۰ تا ۹۵۲۵۹ دلار	سطوح درآمدی بین ۹۵۲۵۹ تا ۱۴۷۶۶۷ دلار	سطوح درآمدی بین ۱۴۷۶۶۷ تا ۲۱۰۳۷۱ دلار	سطوح درآمدی بالاتر از ۲۱۰۳۷۱ دلار
-	۴۷,۶۳۰,۰۰۰	۹۵,۲۵۹,۰۰۰	۱۴۷,۶۶۷,۰۰۰	۲۱۰,۳۷۱,۰۰۰
=				
x	%۲۰,۵	%۲۶	%۲۹	%۳۳
=				
+	۷,۱۴۵,۰۰۰	۱۶,۹۰۸,۰۰۰	۳۰,۵۳۵,۰۰۰	۴۸,۷۱۹,۰۰۰
=				

* مقصود از «درآمد» در جدول فوق «درآمد مشمول مالیات» و «دلار» معادل با «دلار کانادا» است.
مأخذ: همان.

برای مثال فرد با درآمد مشمول مالیات ۵۰۰۰۰ دلار، در طبقه دوم مالیاتی با نرخ نهایی مالیات ۲۰/۵ درصد قرار می‌گیرد و نحوه محاسبه مالیات وی به‌قرار جدول زیر است:

جدول ۹. مثال محاسبه میزان مالیات بر درآمد فدرال فردی نوعی با درآمد مشمول مالیات ۵۰۰۰۰

سطوح درآمدی* کمتر از ۴۷۶۳۰ دلار	سطوح درآمدی بین ۴۷۶۳۰ تا ۹۵۲۵۹ دلار	سطوح درآمدی بین ۹۵۲۵۹ تا ۱۴۷۶۶۷ دلار	سطوح درآمدی بین ۱۴۷۶۶۷ تا ۲۱۰۳۷۱ دلار	سطوح درآمدی بالاتر از ۲۱۰۳۷۱ دلار
-	۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ۴۷,۶۳۰,۰۰۰	۹۵,۲۵۹,۰۰۰	۱۴۷,۶۶۷,۰۰۰	۲۱۰,۳۷۱,۰۰۰
=	۲,۳۷۰,۰۰۰			
x	%۲۰,۵	%۲۶	%۲۹	%۳۳
=	۴۸۵,۸۵			
+	۷,۱۴۵,۰۰۰	۱۶,۹۰۸,۰۰۰	۳۰,۵۳۵,۰۰۰	۴۸,۷۱۹,۰۰۰
=	۷,۶۳۰,۸۵			

* مقصود از «درآمد» در جدول فوق «درآمد مشمول مالیات» و «دلار» معادل با «دلار کانادا» است.
مأخذ: همان.

مطابق جدول ۹، پس از کسر ۴۷,۶۳۰، درآمد باقی‌مانده (۲,۳۷۰)، در ۲۰/۵ درصد (نرخ مالیات طبقه دوم مالیاتی) ضرب می‌شود و سپس با حاصل ضرب ۴۷,۶۳۰ در ۱۵ درصد (نرخ و بازه مربوط به طبقه اول مالیاتی)، جمع می‌گردد و کل مالیات مرکزی که فرد موظف به پرداخت آن است به‌دست می‌آید. در این بین نرخ متوسط مالیات مرکزی که از تقسیم کل مالیات پرداختی بر کل درآمد محاسبه می‌شود، ۱۵/۲۶ درصد است. به نحوه فوق لحاظ نرخ‌ها برای محاسبه میزان مالیات که در مجموع نرخ‌های مالیاتی ایالتی و مرکزی وجود دارد، نرخ مالیات ترکیبی^۱ گفته می‌شود، البته علاوه بر نرخ ترکیبی، مالیات‌های دیگری نیز وجود دارد که عمدتاً بر درآمدهای بالا اعمال می‌شود.

1. Combined Tax Rate

ترکیب مالیات‌های ایالتی و مرکزی از حدود ۲۰ درصد برای درآمدهای مشمول مالیات در بازه مالیاتی پایین تا حدود ۵۳ درصد برای درآمدهای موجود در بازه مالیاتی بالا متغیر است. همچنین افرادی که درآمد مشمول مالیات آنها بیش از ۲۰۰۰۰ دلار است باید هر ساله حق بیمه سلامت^۱ پرداخت کنند.

۲-۵. اهم اعتبارات مالیاتی

برخلاف کسور که عمدتاً از درآمد پیش از مالیات فرد کسر می‌شود؛ اعتبارات مالیاتی، میزان مالیاتی که فرد موظف به پرداخت آن است را کاهش می‌دهد. در این بین رایج‌ترین اعتبار مالیاتی که همه می‌توانند آن را درخواست کنند، اعتبار پایه مالیاتی شخصی فدرال^۲ است که به فرد این امکان را می‌دهد تا مطابق با اعلام دولت از مبلغی به صورت اعتبار بهره‌مند شود؛ این مقدار اعتبار پایه در سال مالیاتی ۲۰۲۰ برابر با میزان ۱۳۲۲۹ دلار است. از سوی دیگر هر ایالت نیز اعتباری را تحت عنوان اعتبار ایالتی پایه فردی^۳ معرفی می‌کند. در ایالت انتاریو برای مثال میزان این اعتبار در سال مالیاتی ۲۰۲۰ برابر ۱۰۷۸۳ دلار اعلام شده است [۱۷].

کمک‌هزینه پایه فدرال، هر سال با نرخ تورم تعدیل می‌شود. هر بخشی از اعتبار که مورد استفاده قرار نگیرد به سال‌های آتی غیرقابل انتقال است. این اعتبارات برای مودی و افراد تحت تکفل او یکسان است و در صورتی که درآمد خالص افراد تحت تکفل از سقفی بالاتر باشد، سطح اعتبارات کاهش می‌یابد. در برخی شرایط اعتباری که افراد سالمند و ناتوان تعلق می‌گیرد، اگر تماماً استفاده نشود، قابل انتقال به همسر، والدین، پدر و مادر والدین، فرزند، نوه، خواهر و برادر، عمه، عمو، خاله، دایی و خواهرزاده و برادرزاده است و به‌طور کلی به‌قرار زیر است:

■ افراد عادی (مجرد یا متأهل):

● در دو براکت اول: CAD* ۱۹۸۴.

● در براکت آخر: CAD ۱۸۴۵.

● در براکت‌های وسط: بین این دو مقدار.

■ افراد ناتوان تحت تکفل بالای ۱۸ سال: CAD ۱۰۹۱.

■ افراد دارای معلولیت: CAD ۱۲۸۶.

■ افراد بالای ۶۵ سال: CAD ۱۱۴۶.

کمک‌هزینه پایه ایالتی، مشابه کمک‌هزینه فدرال است. با این تفاوت که مقادیر آن را دولت‌های ایالتی تعیین می‌کنند و به مالیات پرداختی به ایالت‌ها تعلق می‌گیرد؛ از نوع اعتبار هستند و هر بخشی از اعتبار که مورد استفاده قرار نگیرد به سال‌های آتی غیرقابل انتقال است. در کنار موارد فوق کمک‌هزینه بازنشستگی نیز به صورت اعتبار و تا ۱۵ درصد حقوق بازنشستگی تا سقف ۳۰۰ دلار کانادا در اختیار افراد قرار می‌گیرد که اعتبارات استفاده نشده در این کمک‌هزینه، قابل انتقال به سال‌های آتی به مدت نامحدود است و در برخی شرایط اگر تماماً استفاده نشود، قابل انتقال به همسر، والدین، پدر و مادر والدین، فرزند، نوه، خواهر و برادر، عمه، عمو، خاله، دایی و خواهرزاده و برادرزاده می‌باشد. کمک‌هزینه تحصیلات از دیگر اعتباراتی است که در اختیار افراد قرار می‌گیرد. در این امتیاز ۱۵ درصد شهریه با سقف ۱۰۰ دلار به‌ازای هر مؤسسه برای افراد در نظر گرفته شده است و وام‌های دانشجویی که ذیل قوانین فدرال یا ایالتی داده می‌شود مشمول این ردیف اعتبار می‌گردد. در صورتی که از اعتبار سالیانه استفاده نشود، می‌تواند به ۵ سال آتی منتقل شود.

1. Health Premium
2. Federal Basic Personal Tax Credit
3. Provincial Basic Personal Tax Credit

از جانب تسهیلات بازار کار نیز تمامی هزینه‌هایی که در قرارداد استخدام، فرد را موظف به پرداخت کرده باشد و هیچ دریافتی از کارفرما بابت این هزینه‌ها صورت نپذیرفته باشد، مشمول این بند است. هزینه‌های رفت و آمد به محل کار نیز ماهیت کسور دارند. مشارکت در طرح‌های بازنشستگی و پس‌انداز بازنشستگی همچون RPP، PRPP و RRSP تا سقف ۱۸ درصد درآمد سال گذشته (۲۷۲۳۰ دلار در سال ۲۰۲۰)، در قابل کسور هستند و در نهایت درآمد حاصل از این طرح‌ها در زمانی برداشت، مشمول مالیات می‌شود. در کانادا همچنین برای افزایش انگیزه‌های افزایش جمعیت طرح‌های بسیاری برای ارائه تسهیلات به خانوار و کودکان وجود دارد که علاوه بر مزایای حق اولاد ذیل لایه دوم تأمین اجتماعی، می‌توان به کمک هزینه‌های نگهداری از کودکان در قالب کسور به سقف سالیانه ۸۰۰۰ دلار برای کودکان زیر ۷ سال و ۵۰۰۰ دلار برای کودکان بین ۷ تا ۱۶ سال می‌باشد، البته این موارد تنها در صورتی قابل قبول می‌باشد که به علت شاغل بودن فرد و کسب و کار، وی متحمل هزینه‌هایی شده است. (همانند هزینه پرستار کودک یا شهریه مهد کودک برای والدین شاغل).

۳-۵. مالیات حقوق و دستمزد

مالیات بر حقوق و دستمزد که در سطح فدرال توسط کارفرما از حقوق فرد در منبع کسر می‌شود و در اختیار دولت قرار می‌گیرد، در حقیقت تغذیه‌کننده بیمه اشتغال فرد است. برای کسر این حق بیمه برخلاف موارد مربوط به CPP و QPP که تنها ناظر بر سال‌های ۱۷ تا ۷۱ سال بود، هیچ محدودیت سنی وجود ندارد [۱۹].

همان‌طور که اشاره شد این مبلغ همانند مشارکت‌های موجود در برنامه بازنشستگی کانادا (CPP)، توسط کارفرما به انضمام سهم مشارکتی خود کارفرما (۱،۴ برابر سهم مشارکت کارگر) در منبع کسر شده^۱ و در اختیار آژانس درآمد کانادا به عنوان مقام مالیاتی قرار می‌گیرد. حداکثر سهم کارگر در سال ۲۰۲۰، ۸۵۶ دلار کانادا و در نتیجه حداکثر سهم مربوط به کارفرما ۱،۱۹۹ دلار کانادا است.

میزان مشارکت برای شهروندان کبک متفاوت است، مبلغ حداکثر این مشارکت در سال مشابه ۶۵۰ دلار کانادا برای هر کارگر و حداکثر حق بیمه ۹۱۱ دلار کانادا برای کارفرما است، البته افراد ساکن در کبک موظفند در طرح حق بیمه والدین کبک (QPIP^۲) نیز مشارکت کنند که حداکثر میزان مشارکت آن برای کارگر و کارفرما ۳۸۸ و ۵۴۳ دلار کانادا است.

حق بیمه مربوط به بیمه اشتغال همانند وجوه قابل مشارکت در طرح‌های بازنشستگی کانادا و کبک براساس عایدی ناشی از شغل افراد تعیین می‌شود، همچنین نرخ‌های مربوط به آنها همه ساله براساس محاسبات اکچوئری که توسط دولت فدرال صورت می‌پذیرد تعدیل می‌شود. در حقیقت مسئولیت کارفرما در کانادا از دو بخش تشکیل می‌شود:

❶ جمع‌آوری و پرداخت مشارکت‌های مربوط به برنامه بازنشستگی کانادا (CPP) (یا برنامه بازنشستگی کبک برای ساکنان که در کبک کار می‌کنند).

❷ جمع‌آوری و پرداخت مبالغ مربوط به بیمه اشتغال (EI).

نکته قابل توجه آنکه مجموعه تمامی مشارکت‌های صورت گرفته توسط کارگر در CPP، QPP و EI به صورت اعتبار مالیاتی از بدهی مالیاتی وی کسر می‌شود. میزان سهم کارفرما در برنامه‌های بازنشستگی دقیقاً برابر با میزان مشارکت کارگر بوده و در بیمه اشتغال ۱،۴ برابر آن است. در جدول ۱۱ نرخ‌های حاکم بر طرح‌های برنامه بازنشستگی کانادا و بیمه اشتغال مربوط به سال ۲۰۲۰ قابل مشاهده است.

1. Withheld
2. Québec Parental Insurance Plan.

جدول ۱۱. نرخ‌های مشارکت در CPP و EI-۲۰۲۲

نوع بیمه	سهم کارفرما	سهم کارگر	کل
برنامه بازنشستگی کانادا	٪ ۵٫۲۵	٪ ۵٫۲۵	٪ ۱۰٫۵۰
بیمه اشتغال	٪ ۱٫۵۸	٪ ۲٫۲۱	٪ ۳٫۷۹
کل	٪ ۷٫۴۶	٪ ۶٫۸۳	٪ ۱۴٫۲۹

Source: Government of Canada, Canada Revenue Agency, Employment Insurance, 2022, EI premium rates and maximums - Canada.ca

۴-۵. منابع درآمدی و مجاری هزینه‌ای بودجه دولت

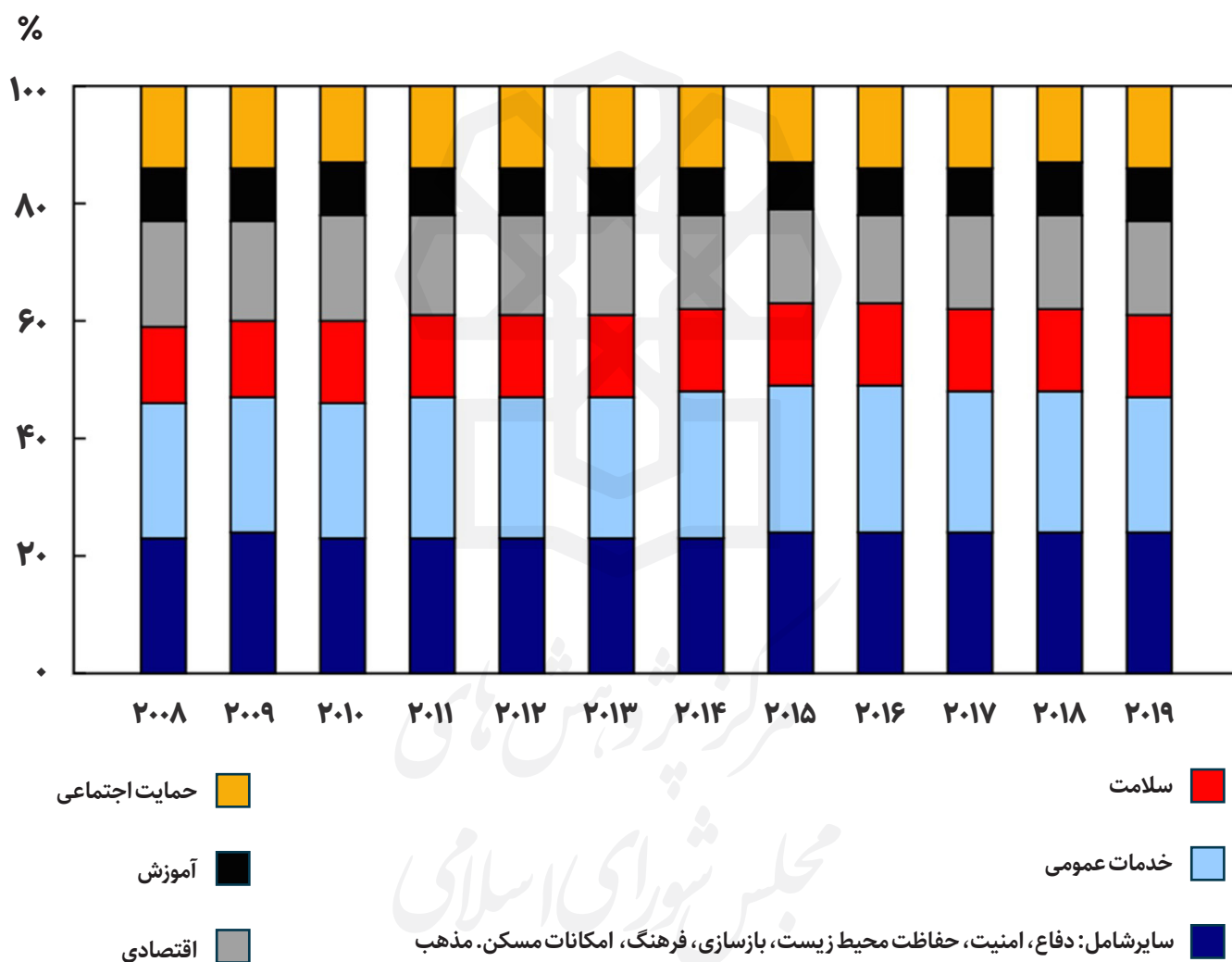
بنابر گزارش مالی دولت در سال ۲۰۱۹ حدود سه پنجم کل هزینه‌های بودجه تلفیقی شامل بودجه فدرال، استانی، منطقه‌ای و محلی به مخارج حمایت‌های اجتماعی، درمان و آموزش و پرورش اختصاص یافته است. به طوری که مجموع مخارج تلفیقی در این سال حدود ۷۹۸٫۵ میلیارد دلار کانادا گزارش شده است که بخش عمده آن (۶۱٪) صرف هزینه‌های مربوط به حمایت اجتماعی، درمان و آموزش شده است. هزینه‌های مربوط به آموزش (۷/۳ درصد)، هزینه‌های مربوط به حمایت اجتماعی (۳/۴ درصد) و هزینه‌های مرتبط با درمان (۲/۹ درصد) در سال ۲۰۱۹ رشد کرده‌اند. بارشده ۳٫۴ درصدی در سال ۲۰۱۹ میزان هزینه‌های مربوط به حمایت اجتماعی به ۱۹۰٫۶ میلیارد دلار کانادا رسید که این مقدار تقریباً یک چهارم (۲۳/۹٪) کل مخارج دولت را از آن خود کرده است.

شایان ذکر است بودجه اختصاص یافته به حمایت اجتماعی صرف برنامه‌های متنوع حمایتی از جمله برنامه‌های حمایتی سالمندان، مزایای مربوط به خانوار، پرداختی‌های مرتبط با از کارافتادگان و مزایای بیکاری می‌شود. همچنین افزایش ۳٫۴٪ حادث شده در مخارج این بخش محصول رشد مخارج مربوط به طرح‌های حمایتی سالمندان (افزایش ۴/۹ میلیارد دلاری) و مزایای مربوط به خانوار و فرزندان (۳/۱ میلیارد دلاری) است [۱۳].

هزینه‌های مربوط به درمان نیز با رشد ۲/۹ درصدی خود به ۱۸۶/۵ میلیارد دلار افزایش یافته و ۲۳/۴٪ از کل مخارج دولت را به خود اختصاص یافته است. با توجه به میزان جمعیت کانادا، این میزان بیانگر ۴۹۱۰ دلار کانادا برای هر شهروند کانادایی است. افزایش‌های حاصل شده در این بخش عمدتاً ناظر بر افزایش هزینه خدمات بیمارستانی (۳/۵٪) به ۱۲۳/۴ میلیارد دلار است. در نهایت هزینه‌های مربوط به آموزش با ۳٫۷٪ افزایش به ۱۰۹/۹ میلیارد دلار رسیده و ۱۳/۸ درصد از کل هزینه‌های دولت را به خود اختصاص داده است [۲۱]. در نمودار زیر مجموع مخارج صورت گرفته از محل بودجه تلفیقی برای سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۸ قابل مشاهده است.



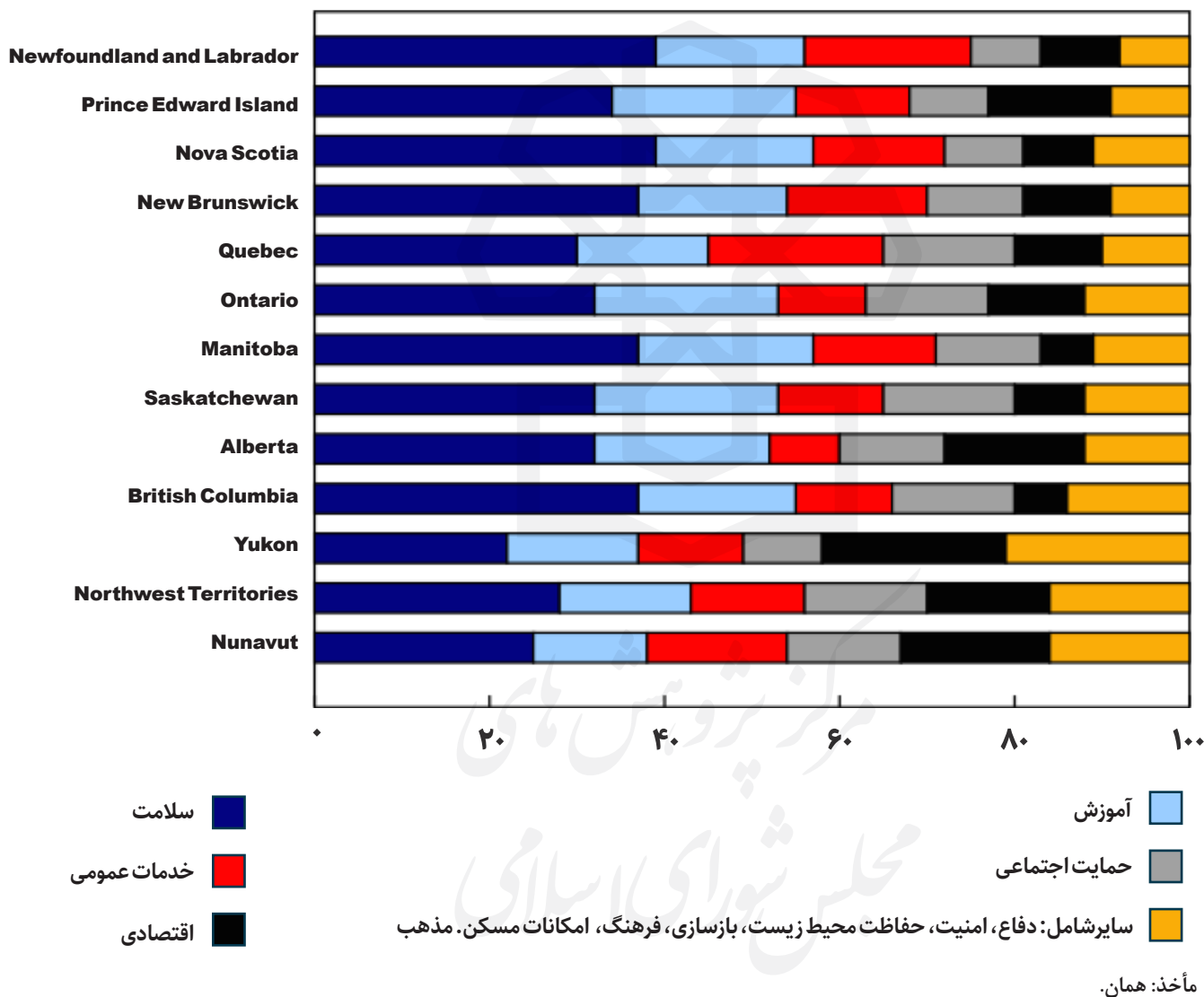
نمودار ۶. تفکیک مخارج بودجه تلفیقی براساس عملکرد (۲۰۱۹-۲۰۲۸)



مأخذ: مرکز آمار کانادا- تحلیل بودجه‌ی تلفیقی، ۲۰۲۰.

از سوی دیگر بخش عمده هزینه‌های مربوط به بودجه دولت در سطح هر ایالت به هزینه‌های درمان اختصاص دارد. در نمودار زیر همان‌طور که مشخص است هزینه‌های مرتبط با درمان سهم قابل ملاحظه‌ای از میزان هزینه‌های هر ایالت را به خود اختصاص داده است.

نمودار ۷. تفکیک بودجه دولت فدرال براساس عملکرد - ۲۰۱۹

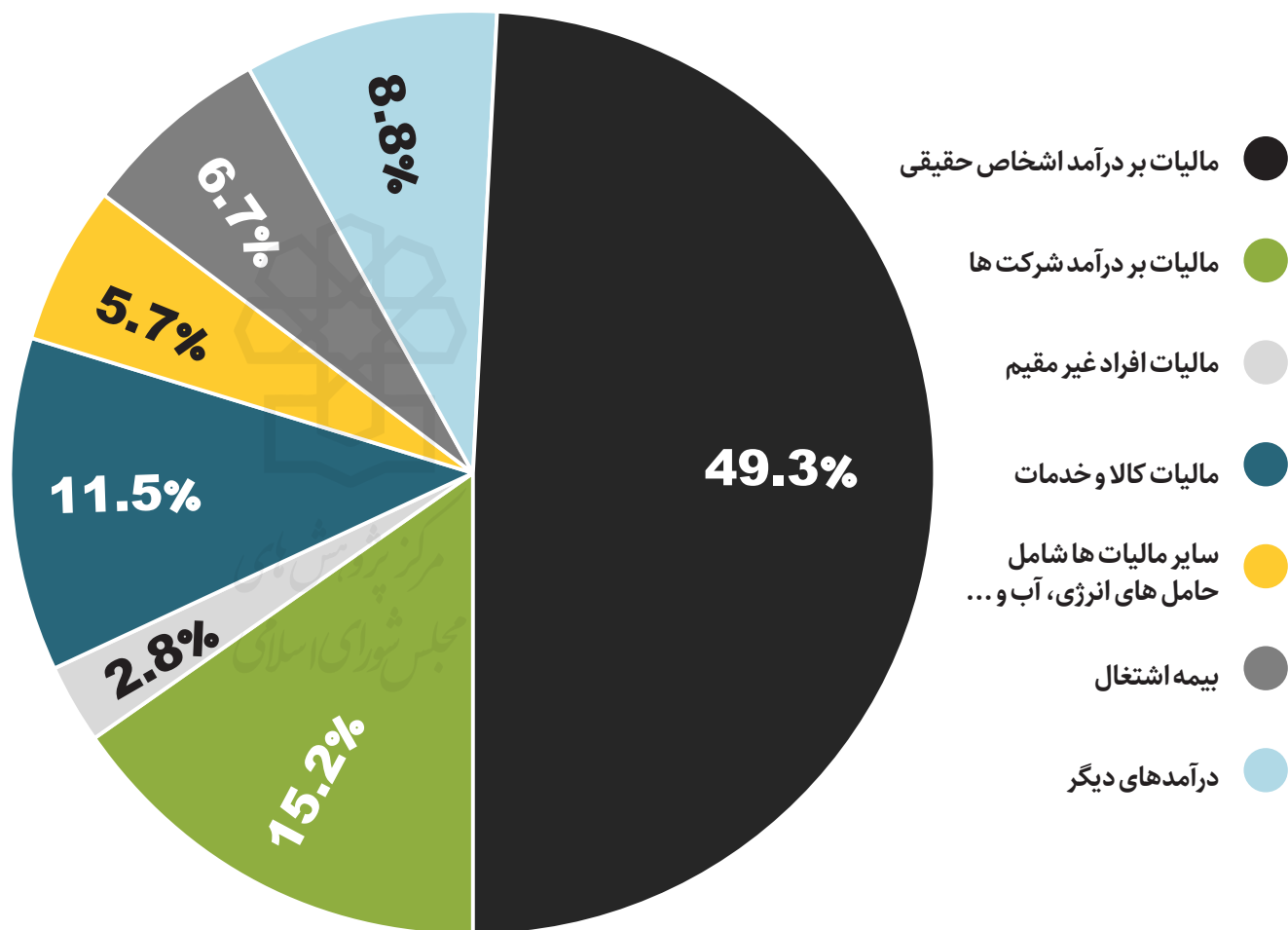


نمودار فوق نشان می‌دهد که هزینه‌های مربوط به بخش درمان با ۳۲/۷٪، بیشترین سهم از هزینه‌های دولت ایالتی، بخشی و محلی را به خود اختصاص داده است. هزینه‌های مربوط به این بخش در سال ۲۰۱۹ حدود یک سوم کل هزینه‌های دولت‌های ایالتی، منطقه‌ای و محلی را از آن خود کرده است و به‌طور سرانه ایالت‌های نیوفوندلند و لابرادور (۶۴۴۹ دلار)، نوا اسکوشیا (۵،۵۷۷ دلار) و نیوبرانزویک (۵،۵۶۶ دلار) بالاترین هزینه را متحمل شده‌اند و کمترین هزینه سرانه در انتاریو (۴۴۴۰ دلار)، جزیره پرنس ادوارد (۴۶۲۲ دلار) و بریتیش کلمبیا (۴۶۴۸ دلار) رقم خورده است.

براساس مقادیر میانگین ایالت‌ها، خدمات بیمارستانی بیشترین سهم از هزینه‌های درمان را با بیش از دو سوم (۶۹/۹٪) به خود اختصاص داده است و پس از آن می‌توان به خدمات سرپایی (۱۳٪) و تجهیزات و لوازم پزشکی (۶/۱٪) اشاره کرد.

بنابر گزارش سال مالی ۲۰۱۹-۲۰۱۸ دولت کانادا، مالیات بر درآمد، مالیات مربوط به کالا و خدمات، مالیات مربوط به افراد غیر مقیم، سایر مالیات‌ها (شامل حامل‌های انرژی و...)، مالیات شرکت‌ها، سایر درآمدها و حق بیمه‌های اشتغال بازوهای اصلی تأمین منابع دولت هستند که در نمودار زیر می‌توان سهم هریک از موارد فوق را در تأمین بودجه دولت مشاهده کرد.

نمودار ۸. تفکیک منابع درآمدی دولت ۲۰۱۹



مأخذ: گزارش مالی دولت کانادا، ۲۰۱۹-۲۰۱۸.

همان‌طور که در نمودار ۸ مشخص است، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی حدود ۵۰٪ منابع دولت را به خود اختصاص داده و بیشترین سهم از بودجه دولت از منظر منابع است.

بنابر گزارش دولت کانادا کل بودجه سال ۲۰۲۱-۲۰۲۲، ۳۴۲٫۲ میلیارد دلار کانادا است که ۲۰۰/۳ میلیارد آن صرف مواردی می‌شود که بنابر قانون بر ذمه دولت است. اولین و پر هزینه‌ترین بخش مربوط به هزینه‌های دولت در این سال ذیل موارد قانونی، مربوط به مخارج طرح امنیت سالمندان با ۴۷/۰۷ میلیارد دلار کانادا می‌باشد و مخارج مربوط به طرح درآمد مکمل تضمین شده ۱۴/۶۳ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این ارقام نشان‌دهنده بار مالی بسیار زیاد این طرح‌ها بر هزینه‌های دولت و صرف و تعبیه مبالغ بسیار بالایی برای آنها در ردیف‌های بودجه است.



همان طور که در این گزارش به تفصیل بیان شد، کشور کانادا همانند سایر کشورهای OECD دارای نظام تأمین اجتماعی سه لایه است و به موجب طرح‌های متنوع در این لایه‌ها توانسته، گروه‌های مختلف را تحت پوشش مستقیم و یا غیرمستقیم قرار دهد. این کشور به منظر تعدیل مشکلات پایداری نظام بازنشستگی خود، رشته اصلاحاتی را در حدود ۲۰ سال دنبال کرد که از مؤثرترین آنها، در کنار اصلاحات پارامتریک، می‌توان به احیای سرمایه‌گذاری، نظارت کارآمد بر آن و تعیین اصول شفافیت اشاره کرد. همچنین این کشور برای بهبود رفاه افراد بازنشسته بدون ایجاد بار مالی جدی بر دوش دولت به بسط و توسعه لایه سوم نظام خود مبادرت ورزید تا بتواند با ترغیب افراد از طریق ابزارهای مختلفی همچون مزیت‌های مالیاتی جهت افزایش پس‌انداز اختیاری شخصی برای دوران بازنشستگی بخشی از فشار مالی خود را تعدیل کند.

در لایه سوم این نظام شاهد طرح‌های متنوعی همچون برنامه‌های ثبت‌شده مستمری^۱ (RPPs) با یک کارفرما، اتحادیه و یا سایر حامیان مالی، برنامه‌های پس‌انداز بازنشستگی ثبت‌شده انفرادی یا گروهی^۲ (RRSPs) و حساب‌های پس‌انداز معاف از مالیات^۳ TFSA (از سال ۲۰۰۹) هستیم که هر یک با اصول تبیینی مشخص، ارائه معافیت مالیاتی و یا امکان به تعویق انداختن پرداخت مالیات مورد اقبال قرار گرفته‌اند. براساس نظرسنجی صورت‌گرفته از شهروندان کانادایی در سال ۲۰۱۹، عواید مربوط به OAS، CPP، RRSP و TFSA چهار منبع اصلی با بیشترین موارد استفاده برای تأمین هزینه‌های دوران بازنشستگی افراد است.

در حقیقت دولت با تأمین منابع کافی از محل انواع مالیات‌ها به‌ویژه مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی توانسته است، به خوبی بخش حمایت‌های اجتماعی، درمان و آموزش و پرورش را تغذیه کند. به طوری که حدود ۶۱٪ کل هزینه‌های بودجه تلفیقی فدرال، منطقه‌ای و محلی در سال ۲۰۱۹ مطابق گزارش مالی این کشور به بخش حمایت اجتماعی، درمان و آموزش اختصاص یافته است. در این بین برنامه‌های حمایت اجتماعی شامل برنامه‌های حمایتی سالمندان، مزایای مربوط به خانوار، پرداختی‌های مرتبط با کارافتادگان و مزایای بیکاری می‌شود که رقم اختصاص یافته خالص به این بخش حدود ۱۹۰٫۶ میلیارد دلار کانادا (تقریباً یک چهارم کل مخارج دولت) می‌باشد که بسیار تأمل‌انگیز است. از سوی دیگر حدود ۵۰ درصد منابع درآمدی دولت از محل مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، ۱۵٫۲ درصد از محل مالیات بر درآمد شرکت‌ها و ۱۱٫۵ درصد از محل مالیات بر کالا و خدمات تأمین می‌شود که رقم‌های قابل توجهی است.

در نهایت بیان این نکته ضروری است که، نظام چندلایه کشور کانادا یکی از بهترین نظام‌های تأمین اجتماعی در دنیاست که توانسته، با تمرکز مدیریت نهادها، متنوع‌سازی و گسترش طرح‌های لایه‌های مختلف، ایجاد جذابیت کافی برای مشارکت افراد در طرح‌های اختیاری لایه دوم و سوم، لزوم شفافیت سطوح درآمدی افراد برای دریافت عواید لایه اول و یا مزیت‌های مالیاتی لایه سوم، پایداری‌سازی منابع درآمدی خود از محل مالیات‌ها و هدفمند کردن هزینه‌های بخش تأمین اجتماعی حمایت چشمگیری برای شهروندان خود به ارمغان آورد.

1. Registered Savings Plans
2. Registered Retirement Saving Plan
3. Tax-free Saving Account

۷. پیوست - انتخاب کشورهای هدف

در عرصه حاضر مشکلات صندوق‌های بازنشستگی و به‌طور کلی نظام تأمین اجتماعی با تلاش صاحب‌نظران این حوزه بر کسی پوشیده نیست؛ مشکلاتی که از مزمه آنها بیش از یک دهه می‌گذرد و اکنون به ابرچالش‌های کشور بدل شده است، اما معضلاتی که امروزه نظام تأمین اجتماعی کشور با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند قطعاً در دنیا مصداق‌هایی داشته و دارد. از این‌رو بررسی تجارب کشورهای که به‌خوبی این چالش‌ها را مرتفع کردند و یا مواردی که اکنون در دوران گذار رفع این معضلات می‌تواند راهنمای خوبی برای اتخاذ سیاست و روش مناسب در مواجهه با بحران‌های این حوزه باشد، اما نکته حائز اهمیت در این فرایند میزان انطباق پتانسیل‌های کشورهای مورد بررسی با بسترهای حاکم در ایران و قابلیت مقایسه‌پذیری این دو است. در حقیقت، استخراج کشورهای موفق در اصلاح نظام تأمین اجتماعی، بررسی و گزارش سیاست‌های آنها که تا حد زیادی متأثر از ویژگی‌های ذاتی آن کشورهاست، نه تنها نمی‌توان کمک شایانی به حل معضل نظام تأمین اجتماعی ایران کنند، بلکه در پاره‌ای موارد منجر به تشدید مشکلات این نظام خواهد شد. همچنین به دلیل آنکه قواعد حاکم در سیستم تأمین اجتماعی به‌شدت از بازار نیروی کار اثر می‌پذیرد، برای دستیابی به راهکارهای عملیاتی و البته عمقی، لازم است؛ شاخص‌های تشریح‌کننده این بازار در کشورهای موفق مورد تحلیل قرار گرفته و میزان انطباق‌پذیری آن با فاکتورهای مشابه بازار نیروی کار ایران مورد بررسی قرار گیرد. در نتیجه انتخاب دقیق و حساب شده کشورهای هدف از مهم‌ترین گام‌های اساسی در این فرایند پژوهشی بوده و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در این بین احتساب ملاحظات ریزبینانه و دقیق می‌تواند نتایج حاصله را مطمئن‌تر و قابل‌اتکاتر کند. به این منظور در ادامه این فصل به تشریح روند دستیابی به کشورهای مطلوبی که می‌تواند در مقام قیاس با ایران آشکار شوند، خواهیم پرداخت.

در این پژوهش از میان ۳۷ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ سعی بر دستیابی به کشورهای مطلوب داریم. کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به دلیل مدون و موجود بودن عمده اطلاعات مورد نیاز، انتخاب شده‌اند. اسامی این کشورها در جدول زیر اشاره شده است.

جدول ۲. لیست کشورهای مورد بررسی - ۳۷ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

استرالیا	اتریش	بلژیک	کانادا	شیلی
کلمبیا	جمهوری چک	دانمارک	استونی،	فنلاند
فرانسه	آلمان	یونان	مجارستان	ایسلند
ایرلند	رژیم صهیونیستی	ایتالیا	ژاپن	کره جنوبی
لتونی	لیتوانی	لوکزامبورگ	مکزیک	هلند
نیوزلند	نروژ	لهستان	پرتغال	جمهوری اسلواکی
اسلوانی	اسپانیا	سوئد	سوئیس	ترکیه
	آمریکا		انگلستان	

مأخذ: دستاورد پژوهش.

فرایند انتخاب کشور مطلوب از طریق پیمودن دو گام صورت می‌پذیرد. در گام اول، ضمن انتخاب متغیرهای مقایسه‌ای^۲ به مقایسه نظیر به نظیر متغیرهای مذکور در کشورهای مختلف و ایران می‌پردازیم و مسلماً کشورهایی با حداقل فاصله در تعداد شاخص‌های بیشتر، مورد تأیید قرار

1. The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)
2. Comparative Variable

می‌گیرند. در گام دوم با انتخاب متغیرهای هدف به بررسی عملکرد کشورهای منتخب گام قبلی می‌پردازیم، کشورهایی با بالاترین سطح عملکرد به‌عنوان لیست نهایی کشورهای مطلوب انتخاب خواهند شد. در ادامه به تشریح بیشتر هر یک از دو گام و نحوه انتخاب متغیرها خواهیم پرداخت. در مرحله بعد با انتخاب متغیرهای مقایسه‌ای سعی بر دستیابی به منطبق‌ترین کشورها با ساختار ایران هستیم. به دلیل آنکه نیروی کار بخش تقاضای بازار تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهد و انجام هرگونه اصلاحات در نظام تأمین اجتماعی تا حد زیادی منوط به فاکتورهای حاکم در این بازار است؛ حتماً باید در تحلیل لحاظ شود. از سوی دیگر متغیرهای مربوط به وضعیت و قدرت اقتصاد حاکم بر آن (همچون جمعیت، تولید ناخالص داخلی، برابری قدرت خرید و...) که الزاماً مربوط به بازار نیروی کار نیست؛ اما منعکس‌کننده پتانسیل کشورهاست، نیز باید در تحلیل گنجانده شود. در این بخش به تشریح متغیرهای مذکور خواهیم پرداخت.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، وضعیت بازار نیروی کار، فاکتورها و شاخص‌های آن بر سیستم تأمین اجتماعی و توازن آن بسیار اثرگذار است. این بازار به‌عنوان تقاضاکننده خدمات ارائه شده نظام تأمین اجتماعی به‌شدت در مباحث اعمال اصلاحات و تغییرات این سیستم اثرگذار است و برای حل ریشه معضلات نظام تأمین اجتماعی نباید به‌هیچ‌وجه نادیده گرفته شود. در سال ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار^۱ طی گزارشی دست به انتشار شاخص کلیدی بازار نیروی کار^۲ کرد تا از طریق آن بتوان مبنایی ثابت و تقریباً همه‌جانبه برای مقایسه وضعیت بازار نیروی کار کشورهای مختلف در دست داشت. این متغیرهای هر دو سال یک‌بار منتشر می‌شوند و شامل متغیرهای اشتغال (از نظر وضعیت، شاخص‌ها، ساعات و...)، کمبود کار، وضعیت کار (از نظر دستمزدها، هزینه‌های جایگزینی، فقر افراد شاغل و...)، ویژگی‌های جویندگان شغل (از نظر تحصیلات و کارایی) است. شاخص کلیدی بازار نیروی کار شامل ۱۷ مختص بازار نیروی کار هستند. این شاخص‌ها عبارتند از: «نرخ مشارکت نیروی کار»^۳، «نسبت اشتغال»^۴، «وضع شغلی»^۵، «اشتغال بر حسب بخش اقتصادی»^۶، «اشتغال در گروه‌های عمده شغلی»^۷، «کارکنان پاره‌وقت»^۸، «ساعات کار»^۹، «اشتغال در اقتصاد غیررسمی»^{۱۰}، «بیکاری»^{۱۱}، «بیکاری جوانان»^{۱۲}، «بیکاری بلندمدت»^{۱۳}، «نرخ اشتغال ناقص زمانی»^{۱۴}، «جمعیت خارج از نیروی کار»^{۱۵}، «دستیابی تحصیلی و بی‌سوادی»^{۱۶}، «دستمزدها و هزینه‌های جبران خدمات»^{۱۷}، «بهره‌وری کار»^{۱۸} و «فقر، توزیع درآمد شاغلان در طبقه‌بندی اقتصادی و فقر کار»^{۱۹} می‌توان ارزیابی درست‌تری از بازار کار ایران داشت. همان‌طور که مشخص است متغیرهایی همچون نرخ مشارکت نیروی کار از جنس پتانسیل و ظرفیت‌های ذاتی یک کشور هستند، در نتیجه در رسته متغیرهای مقایسه‌ای از آنها استفاده می‌شود؛ اما متغیرهایی مانند سطح بیکاری از نوع متغیرهای هدف هستند که همواره کشورها سعی در کنترل و بهبود آن دارند، به همین منظور از آنها در رسته متغیرهای هدف (که در بخش بعدی به تشریح بیشتر آن خواهیم پرداخت) استفاده می‌کنیم.

1. International Labour Organization (ILO)
2. Key Indicator of Labour Market (KILM)
3. Labour Force Participation Rate
4. Employment-to-Population Ratio
5. Status in Employment
6. Employment by Sector
7. Employment by Occupation
8. Part-Time Workers
9. Hours of Work
10. Employment in the Informal Economy
11. Unemployment
12. Youth Unemployment
13. Long-Term Unemployment.
14. Time-Related Underemployment
15. Persons Outside the Labour Force
16. Educational Attainment and Illiteracy
17. Wages and Compensation Costs
18. Labour Productivity
19. Poverty, Income Distribution, Employment by Economic Class and Working Poverty



فرایند انتخاب کشور مطلوب از طریق پیمودن دو گام صورت می‌پذیرد. در گام اول، ضمن انتخاب متغیرهای مقایسه‌ای^۱ به مقایسه نظیر به نظیر متغیرهای مذکور در کشورهای مختلف و ایران می‌پردازیم و مسلماً کشورهایی با حداقل فاصله در تعداد شاخص‌های بیشتر، مورد تأیید قرار می‌گیرند. در گام دوم با انتخاب متغیرهای هدف به بررسی عملکرد کشورهای منتخب گام قبلی می‌پردازیم، کشورهایی با بالاترین سطح عملکرد به‌عنوان لیست نهایی کشورهای مطلوب انتخاب خواهند شد. در ادامه به تشریح بیشتر هر یک از دو گام و نحوه انتخاب متغیرها خواهیم پرداخت. در مرحله بعد با انتخاب متغیرهای مقایسه‌ای سعی بر دستیابی به منطبق‌ترین کشورها با ساختار ایران هستیم. به دلیل آنکه نیروی کار بخش تقاضای بازار تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهد و انجام هر گونه اصلاحات در نظام تأمین اجتماعی تا حد زیادی منوط به فاکتورهای حاکم در این بازار است؛ حتماً باید در تحلیل لحاظ شود. از سوی دیگر متغیرهای مربوط به وضعیت و قدرت اقتصاد حاکم بر آن (همچون جمعیت، تولید ناخالص داخلی، برابری قدرت خرید و...) که الزاماً مربوط به بازار نیروی کار نیست؛ اما منعکس‌کننده پتانسیل کشورهاست، نیز باید در تحلیل گنجانده شود. در این بخش به تشریح متغیرهای مذکور خواهیم پرداخت.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، وضعیت بازار نیروی کار، فاکتورها و شاخص‌های آن بر سیستم تأمین اجتماعی و توازن آن بسیار اثرگذار است. این بازار به‌عنوان تقاضاکننده خدمات ارائه شده نظام تأمین اجتماعی به‌شدت در مباحث اعمال اصلاحات و تغییرات این سیستم اثرگذار است و برای حل ریشه معضلات نظام تأمین اجتماعی نباید به‌هیچ‌وجه نادیده گرفته شود. در سال ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار^۲ طی گزارشی دست به انتشار شاخص کلیدی بازار نیروی کار^۳ کرد تا از طریق آن بتوان مبنایی ثابت و تقریباً همه‌جانبه برای مقایسه وضعیت بازار نیروی کار کشورهای مختلف در دست داشت. این متغیرهای هر دو سال یک‌بار منتشر می‌شوند و شامل متغیرهای اشتغال (از نظر وضعیت، شاخص‌ها، ساعات و...)، کمبود کار، وضعیت کار (از نظر دستمزدها، هزینه‌های جایگزینی، فقر افراد شاغل و...) و ویژگی‌های جویندگان شغل (از نظر تحصیلات و کارایی) است. شاخص کلیدی بازار نیروی کار شامل ۱۷ مختص بازار نیروی کار هستند. این شاخص‌ها عبارتند از: «نرخ مشارکت نیروی کار»،^۴ «نسبت اشتغال»،^۵ «وضع شغلی»،^۶ «اشتغال بر حسب بخش اقتصادی»،^۷ «اشتغال در گروه‌های عمده شغلی»،^۸ «کارکنان پاره‌وقت»،^۹ «ساعات کار»،^{۱۰} «اشتغال در اقتصاد غیررسمی»،^{۱۱} «بیکاری»،^{۱۲} «بیکاری جوانان»،^{۱۳} «بیکاری بلندمدت»،^{۱۴} «نرخ اشتغال ناقص زمانی»،^{۱۵} «جمعیت خارج از نیروی کار»،^{۱۶} «دستیابی تحصیلی و بی‌سوادی»،^{۱۷} «دستمزدها و هزینه‌های جبران خدمات»،^{۱۸} بهره‌وری کار»^{۱۹} و «فقر، توزیع درآمد شاغلان در طبقه‌بندی اقتصادی و فقر کار»^{۲۰} می‌توان ارزیابی درست‌تری از بازار کار ایران داشت.

همان‌طور که مشخص است متغیرهایی همچون نرخ مشارکت نیروی کار از جنس پتانسیل و ظرفیت‌های ذاتی یک کشور هستند، در نتیجه در رسته متغیرهای مقایسه‌ای از آنها استفاده می‌شود؛ اما متغیرهایی مانند سطح بیکاری از نوع متغیرهای هدف هستند که همواره کشورها سعی در کنترل و بهبود آن دارند، به همین منظور از آنها در رسته متغیرهای هدف (که در بخش بعدی به تشریح بیشتر آن خواهیم پرداخت) استفاده می‌کنیم. در جدول زیر لیست متغیرهای مقایسه‌ای انتخاب‌شده، به تفکیک شاخص‌های کلیدی بازار نیروی کار و... آن به‌همراه تعریف هر یک، قابل مشاهده است.

جدول ۳. لیست متغیرهای مقایسه‌ای

تعریف	شاخص
شاخص‌های کلیدی بازار نیروی کار (KLIM)	
نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به کل جمعیت	۱ نرخ مشارکت نیروی کار ^۱
نسبت شاغلین به کل جمعیت	۲ نسبت اشتغال به جمعیت ^۲
تفکیک شاغلان به دو بخش خصوصی و دولتی	۳ وضع شغلی ^۳
تفکیک اشتغال به سه بخش کشاورزی، خدمات و صنعت	۴ اشتغال برحسب بخش اقتصادی ^۴
افرادی با ساعات کار کمتر از کارکنان تمام‌وقت در هفته مرجع	۵ کارکنان پاره‌وقت ^۵
سهم شاغل دارای تحصیلات عالی به کل شاغلین	۶ دستیابی تحصیلی و بی‌سوادی ^۶
شاخص‌های خارج از KLIM	
تعداد افراد یک کشور و توزیع جنسیتی آن	۷ جمعیت کل ^۷
نسبت افراد کمتر از ۲۰ سال و ۶۵ سال به بالا به افراد رده سنی ۶۴-۲۰	۸ نسبت وابستگی کل
سهم ۶۴-۱۵ به کل جمعیت	۹ سهم افراد شاغل
سهم افراد ۶۵ سال به بالا به کل جمعیت	۱۰ سهم افراد مسن
نسبت افراد ۶۵ سال به بالا به افراد رده سنی ۶۴-۱۵	۱۱ نسبت وابستگی افراد مسن
افزایش مداوم در متوسط سطح عمومی قیمت‌ها (شاخص قیمت‌ها)	۱۲ تورم ^۸
حداقل عایدی ماهیانه همه کارگرها	۱۳ حداقل دستمزد ^۹
ارزش پولی همه کالاها خدمات تولیدی که در داخل یک کشور در دوره‌ای مشخص تولید می‌شود.	۱۴ تولید ناخالص داخلی سرانه ^{۱۰}

مأخذ: دستاورد پژوهش.

همان‌طور که در جدول فوق مشخص است، متغیرها به دو دسته KLIM و خارج از KLIM تفکیک شده‌اند. در دسته اول، اولین شاخص یعنی مشارکت نیروی کار به دلیل مهم‌ترین فاکتور بازار نیروی کار انتخاب شده است. شاخص نسبت اشتغال به جمعیت نیز به جهت نشان دادن جمعیت ایجادکننده ارزش افزوده در کشور در لیست فوق گنجانده شده است. شاخص وضعیت اشتغال به تفکیک بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات، به منظور درک بهتر و از بازار نیروی کار و لحاظ سطح و الگوی توسعه در هر سه بخش عمده اقتصادی انتخاب شده است. همچنین از شاخص کارکنان پاره‌وقت به منظور لحاظ تمامی ارزش افزوده‌های حاصل شده و نوسانات سیکلی بازار نیروی کار بهره‌برداری شده است. در نهایت از شاخص دستیابی تحصیلی و بی‌سوادی برای بررسی و مقایسه وضعیت تحصیلی نیروی شاغل کشور با سایر کشورها به‌عنوان آخرین شاخص کلیدی بازار نیروی کار در لیست متغیرهای مقایسه‌ای استفاده شده است.

در دسته دوم به لحاظ متغیرهای اساسی مهم و خارج از KLIM پرداختیم که اولین آنها جمعیت کل به منظور انعکاس کل پتانسیل و نیروی انسانی بالفعل و بالقوه کشور در لیست لحاظ شده است، اما سایر متغیرهای جمعیتی مانند نسبت وابستگی افراد مسن، ساختار سنی، نسبت

1. Labor Force Participation Rate
2. Employment-to-Population Ratio
3. Status in Employment
4. Employment By Sector
5. Part-Time Workers
6. Educational Attainment and Illiteracy
7. Total Population
8. Inflation
9. Minimum Wage
10. Gross Domestic Product (GDP Per Capita (Constant 2010 US\$)



وابستگی کل، سهم افراد شاغل و سهم افراد مسن به درک بهتر هرم سنی جمعیتی و مقایسه اصولی تر کشورهای کمک می‌کند. هرم‌های سنی و هرگونه تغییرات در آنها به سبب ایجاد تغییرات در نسبت تعداد افراد شاغل با سن بازنشستگی به شاغلین جوان می‌تواند منجر به بروز فشارهای مالی بر صندوق‌ها و یا تشدید این فشارها شود. همچنین از شاخص تورم برای نشان دادن نوسانات ارزش پول استفاده شده که شاخص قیمت مصرف‌کننده با لحاظ کل اقلام^۱ در لیست گنجانده شده است. همچنین به عنوان نظام انگیزه‌ای برای کار کردن، قدرت اتحادیه‌های کارگری، سطوح فقر از شاخص حداقل دستمزد به صورت برابری قدرت خرید^۲ به منظور تسهیل در روند مقایسه بین کشورها بهره‌برداری شده است. در نهایت میزان تولید ناخالص داخلی کشور به عنوان معرف اندازه اقتصاد کشور که از مقدار سرانه و ثابت بر حسب دلار و سال پایه ۲۰۱۰ برای قابل اتکاتر شدن نتیجه تحلیل، در لیست گنجانده شده است. در این بین به منظور دستیابی به منطبق ترین کشورها با پتانسیل‌ها و ویژگی‌های ایران هر یک از شاخص‌های شانزده گانه^۳ فوق بر شاخص متناظر ایران تقسیم شده و اعداد حاصله با عدد یک سنجیده می‌شوند. همچنین به دلیل آنکه توزیع اعداد حاصله الزاماً نرمال نیست، با استفاده از قضیه چبی شف از فاصله اطمینان $1 \pm \sqrt{2}\delta$ به عنوان فاصله مطلوب با حداقل شکاف استفاده می‌شود.

نتایج این گام، لیست کشورهای منتخب حاصل از فاز اول پژوهش می‌باشد که در جدول زیر به آنها اشاره شده است.

جدول ۴. لیست کشورهای منتخب گام اول (بر اساس ۱۶ شاخص مقایسه‌ای)

کانادا	بلژیک	استرالیا	پرتغال	ترکیه	لوکز امبورگ
دانمارک	جمهوری چک		کلمبیا	لهستان	شیلی
فرانسه	فنلاند	استونی	نروژ	نیوزلند	
ایسلند	یونان	مجارستان	جمهوری اسلواکی		
لیتونی	ایتالیا	ایرلند	اسپانیا	لیتوانی	هلند

مأخذ: همان.

گام اول منتج به لیست ۲۷ کشور منتخب است که حداقل شکاف را در متغیرهای مقایسه‌ای با ایران دارند. در گام بعدی با لحاظ متغیرهای هدف به رده‌بندی کشورهای فوق با توجه به بهترین عملکرد در حوزه شاخص‌های بازار نیروی کار و تأمین اجتماعی خواهیم پرداخت. در گام دوم، تمامی متغیرهای لحاظ شده به گونه‌ای معضلات فعلی کشور بوده و همواره به دنبال سیاستگذاری صحیح برای تعدیل آنها هستیم از طرفی دیگر رفع معضلات عمیق آنها به صورت مستقیم می‌تواند سبب بهبود سیستم تأمین اجتماعی و تخفیف بحران‌های شدید آن شود. برای مثال تعدیل هر چند اندک معضل بیکاری می‌تواند جریان ورودی و حق بیمه‌پرداز به صندوق‌ها افزایش دهد و هرچقدر این افراد از سنین کمتر وارد بازار نیروی کار و در نتیجه صندوق شوند، صندوق جوان تر و کمتر دچار معضلات ناپایداری جمعیتی و یا مالی می‌شود. در نتیجه عملکرد کشورهای منتخب گام نخست در این گام مورد بررسی قرار می‌گیرد و کشورهایی با بالاترین عملکرد به عنوان مطلوب‌ترین موارد گزارش می‌شوند.

1. CPI: All Items (National Index)

2. PPP Conversion Factor: Purchasing Power Parity (PPP)

۳. شاخص مربوط به وضعیت شغلی ناظر بر تعداد نیروی کار در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است به همین دلیل کل لیست متغیرهای مقایسه‌ای شامل ۱۶ شاخص می‌شود.

از سوی دیگر، متغیرهای هدف نیز مانند متغیرهای مقایسه‌ای از دو دسته شاخص‌های کلیدی بازار نیروی کار و خارج از آن تشکیل شده که در جدول زیر لیست آنها به همراه تعریف هر یک گنجانده شده است.

جدول ۵. لیست متغیرهای هدف

شخص	تعریف
شاخص‌های کلیدی بازار نیروی کار	
۱	بیکاری ^۱ نسبتی از نیروی کار که دارای شغل نبوده و به‌طور فعال دنبال شغل می‌شوند
۲	بیکاری جوانان ^۲ نسبت بیکاران ۱۵-۲۹ ساله به جمعیت فعال این رده سنی
۳	نرخ اشتغال ناقص زمانی ^۳ نسبت جمعیت شاغل ناقص زمانی به کل جمعیت فعال ^۴
۴	فقر، توزیع درآمد شاغلان در طبقه‌بندی‌های اقتصادی و فقر کار ^۵ خط فقر، ضریب جینی و نسبتی از افراد شاغل که اعضای خانواده پایین‌تر از خط فقر هستند.
شاخص‌های خارج از KILM	
۵	کیفیت زندگی کاری ^۶ سطح عمومی کیفیت زندگی فرد شاغل
۶	پوشش حمایت اجتماعی ^۷ نسبتی از جمعیت که تحت پوشش حمایت اجتماعی هستند.
۷	نرخ بیکاری براساس سطح تحصیلات ^۸ نرخ بیکاری گروه‌های تحصیل‌کرده کشور
۸	امید به زندگی ^۹ زمانی که به‌طور متوسط فرد متصور است برای زندگی براساس سنی فعلی خود و بسیاری از فاکتورهای دیگر
۹	شاخص توسعه انسانی ^{۱۰} تلفیقی از سه عنصر اصلی دسترسی به آموزش، زندگی طولانی و سطح زندگی مناسب

مأخذ: همان.

همان‌طور که در جدول فوق مشخص است؛ متغیر بیکاری به سبب لحاظ بیکاری‌های کوتاه‌مدت و نوسانات بازار کار و بیکاری بلندمدت و آثار سوئی مانند تقلیل شانس یافتن شغل، منقضی شدن مهارت‌های فرد و از دست رفتن مزایا شاغل بودن در تحلیل لحاظ شده‌اند؛ همچنین بیکاری جوانان به‌منظور انعکاس بیکاری نیروی کار فاقد مهارت در لیست گنجانده شده است. از سوی دیگر نرخ اشتغال ناقص زمانی نشان‌دهنده کاهش توانایی بازار در ایجاد اشتغال کامل برای افراد خواهان کار است و در نتیجه احتمال خروج آنها از سیستم بازنشستگی به دلیل عدم امکان پرداخت حق بیمه بازنشستگی را افزایش می‌دهد. چهار متغیری که به آنها اشاره شده همگی مربوط به شاخص‌های کلیدی بازار نیروی کار می‌باشند، اما متغیر ضریب جینی، کیفیت زندگی کاری، پوشش حمایت اجتماعی، امید به زندگی و شاخص توسعه انسانی

1. Un Employment

2. Youth Unemployment

3. Time-Related Under Unemployment Rate

۴. به دلیل بیکاری فصلی، رکودهای واقع شده در بازار کار فرد کمتر از تعداد ساعتی که توانایی و تمایل به کار دارد را به انجام کار مشغول شده است.

5. Poverty, Income Distribution Employment by Economic Class and Working Poor

6. Quality of Working Life

7. Social Protection Coverage

8. Unemployment Rates by Education Level

9. Life Expectancy

10. Human Development Index (HDI)



به سبب اثرگذاری مستقیم بر رفاه اجتماعی در لیست گنجانده شده‌اند. در نهایت شاخص نرخ بیکاری براساس سطح تحصیلات نیز به عنوان آخرین متغیر، لیست شاخص‌های هدف لحاظ شده است.

در نتیجه ۲۷ کشور منتخب حاصل از گام اول براساس عملکردشان در هر یک از شاخص‌های هدف امتیاز تعلق می‌گیرد که این امتیاز برای شاخص‌های بیکاری به صورت برعکس است. توضیح آنکه کشوری با پایین‌ترین نرخ بیکاری بالاترین امتیاز را از آن خود می‌کند. در نهایت کشورهایی با بالاترین امتیاز به عنوان لیست نهایی منتخب معرفی می‌شوند. همچنین به جهت اطمینان از عملکرد مؤثر کشورهای انتخابی در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی به متغیرهای سه‌گانه؛ «کیفیت زندگی شغلی»، «شاخص توسعه انسانی» و «پوشش حمایت اجتماعی» وزنی مضاعف اعطا می‌کنیم؛ به این شرح که ۹ کشور اول از ۲۷ کشور، پس از رتبه‌بندی براساس امتیازدهی به عملکرد آنها انتخاب و مجدداً از نظر عملکرد در سه شاخص فوق‌الذکر رتبه‌بندی می‌شوند. در نهایت چهار کشور نهایی با بالاترین امتیاز به عنوان مطلوب‌ترین کشور از نظر عملکرد در شاخص‌های مربوط به بازار کار و رفاه و منطبق‌ترین بر ساختار و پتانسیل‌های ایران انتخاب می‌شوند. در جدول زیر به لیست کشورهای نهایی مطلوب اشاره شده است.

جدول ۶. لیست کشورهای نهایی منتخب

کانادا	هلند	استرالیا	نروژ
--------	------	----------	------

مأخذ: دستاورد پژوهش.

منابع و مأخذ



- [1] Baldwin, Bob (2010). Pension Reform in Canada: A Guide to Fixing Our Futures Again. Institute for Research on Public Policy (IRPP).
- [2] Barr, N.; Diamond, P. 2008. Reforming pensions: Principles and choices. Oxford, Oxford University Press.
- [3] Aon 2018. Canada Pension Plan and Quebec Pension Plan Enhancements: What's Next?
- [4] Denison, David (2009). The Canadian Model: Moving from Sustainability to Sufficiency. Notes for remarks at 16th Annual International Conference of Social Security Actuaries and Statisticians, Ottawa, Canada (September 16).
- [5] Little, Fixing the Future, chapter 17; Harvard Business Review case study, "The Canada Pension Plan Investment Board: October 2012" (Harvard Business School, Cambridge, MA, 2014).
- [6] CPP investment board (2020), annual report.
- [7] Keith Ambachtsheer, "The 'Canada Model' for Pension Fund Management: Past, Present, and Future," August 1, 2017.
- [8] Richard Ivey School of Business case study, "The Canada Pension Plan Investment Board: Governance" (2010); Rozanov, "Public Sector Investment Funds: How the Bestin-Breed Evolved."
- [9] Bruce Little, Fixing the Future: How Canada's Usually Fractious Governments Worked Together to Rescue the Canada Pension Plan (Toronto: Rotman-UTP Publishing, 2008)
- [10]. Canada Pension Plan Investment Board Act (SC 1997, c. 40).
- [11] Fiona Stewart, Romain Despalins, and Inna Remizova, "Pension Funds, Capital Markets, and the Power of Diversification" (World Bank, Washington, D.C. July 2017)

- [12] William Price, John Ashcroft, and Michael Hafeman, "Outcome Based Assessments for Private Pensions: A Handbook" (working paper, World Bank, Washington, D.C., June 2016).
- [13] World Bank (2017), "The Evolution of the Canadian Pension Model: Practical lesson for Building World-class Pension Organization.
- [14] Wolfson, Michael C. (2011). Projecting the Adequacy of Canadians' Retirement Incomes. Institute for Research on Public Policy (IRPP).
- [15] Office of the superintendent of financial institutions Canada (2018), "multi-pillar Pension systems: Lessons from Canada and internationally.
- [16] Government of Canada (2021),"public Pension Reports / pillar3" <https://www.canada.ca/en/services/benefits/publicpensions>.
- [17] FRIEDMAN, J. N. (2016): "Tax Policy and Retirement Savings," in The Economics of Tax Policy, ed. by A. J. Auerbach, and K. Smetters, chap. 10. Oxford University Press.
- [18] William B. P. Robson,(2017)," Rethinking Limits on Tax-Deferred Retirement Savings in Canada", C. D. Howe Institute Commentary 495; ISBN: 978-1-987983-46-3.
- [19] AL ZAMAN, A. (2017): "The Distributional Impacts of Canada's Tax-Free Savings Accounts, " Canadian Public Policy, 43(4), 331–349.
- [20] KESSELMAN, J. R. (2015): "Expanding Tax-Free Savings Accounts - Doubly Troubling," Research Paper 7, Simon Fraser University School of Public Policy
- [21] Jamie Golombek (2020), " The RRSP, the TFSA and the mortgage: Making the best choice", Managing Director, Tax and Estate Planning, CIBC Private Wealth Management, May 2020.
- [22] Adam M. Lavecchia,(2018)," Tax-Free Savings Accounts: Who uses them and how?", Department of Economics Faculty of Social Sciences University of Ottawa, January 2018.
- [23. Canadian Institute for Health Information (CIHI), National Health Expenditure Trends, 1975 to 2017
- [24] Government of Canada, Financial consumer Agency of Canada, Provincial and territorial income tax,2021. 9.2.5 Provincial and territorial income tax - Canada.ca
- [25] Canada Income Tax Act, R.S.C. 1985, c. 1 (5th Supp)., (2020), Published by the Minister of Justice, November 19, 2020.
- [26] Clemens, Jason, Niels Veldhuis, and Robert P. Murphy (2013). Tax Payers and Tax Takers: Is the Trend of Tax Progressivity in the US Emerging in Canada? Fraser Institute.
- [27] Federal Income Tax and Benefit Guide ,2020.
- [28] Government of Canada, Canada revenue Agency, Employment Insurance, 2022.
- [29] Canada statistics (2020)," Social protection's spending in federal, provincial, territorial and local expenditure".
- [30] Government of Canada (2020)," Annual Financial Report of the Government of Canada Fiscal Year 2018–2019".
- [31] Bob Baldwin, "Assessing the Retirement Income Prospects of Canada's Future Elderly: A Review of Five Studies" (C. D. Howe Institute Commentary 456, C. D. Howe Institute, Toronto, 2016).
- [32] Keith Ambachtsheer, The Future of Pension Management: Integrating Design, Governance, and Investing (New York: John Wiley & Sons, 2016).
- [33] Jamie Golombek & Tess Francis, "Retiring Right: Understanding the Taxation of Retirement Income", Tax & Estate Planning, CIBC Financial Planning and Advice,2019.
- [34] Ferley, Paul, Nathan Janzen, and David Onyett-Jeffries (2010). RRSP Contributions 1968 to 2008 ... and beyond to 2020. RBC Economics.
- [35] Kesselman, Jonathan R. (2010). Expanding Canada Pension Plan Retirement Benefits: Assessing

Big CPP Proposals. SPP Research Papers. University of Calgary.

[36] Service Canada (2020). TFSA and RRSP contribution limits. Table of Paid CPP Contributions (1985-2006).

[37] Jamie Golombek (2020), "Blinded by the "refund": Why TFSAs may beat RRSPs as better retirement savings vehicles for some Canadians", Managing Director, Tax and Estate Planning, CIBC Private Wealth Management, August 2020.

[38] LAVAECCHIA, A. (2018): "Do 'Catch-up Limits' Raise Retirement Saving? Evidence from a Regression Discontinuity Design," National Tax Journal, forthcoming.

[39] Baldwin, B. 2010. Pension Reform in Canada: A Guide to Fixing Our Futures Again. IRPP Study, No. 13. Montreal: Institute for Research on Public Policy.

گزیده سیاستی

توجه به سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد بسترهای لازم، حذف قیود دست و پاگیر، ایجاد معیارهای شفافیت، گسترش لایه سوم نظام تامین اجتماعی با استفاده از مزیت‌های مالیاتی، توجه به سلیبک گروه‌های مختلف در آمدی، ایجاد گزینه‌های متنوع برای جذب جامعه و پایدارسازی جریان درآمدی دولت با احیا جایگاه مالیات از مهم‌ترین آموزه‌های اجرایی سیستم تامین اجتماعی کانادا است



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir